



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل : کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاكرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۳۵۵۱ ۵ شنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۳۶ سال سیزدهم

شماره مسلسل ۷۹
دوره نوزدهم مجلس شورای ملی

مذاكرات مجلس شورای ملی

جلسه ۷۹

صورت مشروح مذاكرات مجلس روزیکشنبه ۲۵
فروردین ماه ۱۳۳۶

فهرست مطالب :

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) بقیه مذاکره در برنامه واخذ رأی و ابراز اعتماد بدولت آقای دکتر اقبال نخست وزیر
- ۳) تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه



مجلس دو ساعت و ده دقیقه بیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود

(شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان : جلیلودی تربتی - قرشی - خرازی - مهندس بهبودی استخر - غضنفری - فولادوند - آقایان حشمتی سلطان مراد بختیار - طباطبائی قمی سنندجی - اورنگ - فرود - اخوان دکتر سمید حکمت - اعظم زنگنه - مهندس فیروز دکتر عمید - مهندس هدایت غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر طاهری کدیور - صفاری - دکتر عدل - حامری کیاکوسی - کورس - بوربور - مهندس ظفر دیرآمدگان و زودر فتگان با اجازه - آقایان : بزرگ نیا - مهندس سلطانی - معهودی - صراف زاده - صدرزاده - بزرگ ابراهیمی رئیس - نظری نسبت بصورت مجلس نیست؟ آقای دکتر بینا

دکتر بینا - در ره ایض بنده آنروز

برای آقای ارباب يك سوء تفاهمی حاصل شد بنده مطلقاً نظر سواد بی نسبت بایشان نداشتم رئیس - بسیار خوب آقای مهندس اردبیلی

مهندس اردبیلی - اشتباهاتی هست که اصلاح میکنم میدم اداره تنه نویسی

رئیس - بسیار خوب بدهید اصلاح کنند دیگر نظری نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس جلسه قبل تصویب شد

۲- بقیه مذاکره در برنامه

واخذ رأی و ابراز اعتماد

بدولت آقای دکتر اقبال

نخست وزیر

رئیس - دنباله برنامه دولت مطرح است • يك پیشنهاد کفایت مذاكرات رسیده که قرائت می شود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم بعد از بیانات دو مخالف

و دو موافق در برنامه دولت مذاكرات کافی باشد • مهدی ارباب رئیس - آقای ارباب ارباب - آقایان محترم توجه فرموده اند که مذاكرات حتی در برنامه دولت سابق هم کافی شد، جناب آقای دکتر اقبال نخست وزیر در ادوار وزارت خود با مسافرت هائی که باقی نقاط شخصاً نموده و بآلام مردم توجه کرده اند کاملاً بدردهای مردم این کشور آشنا هستند • حقیقت دیگری که میخواهم عرض کنم و امیدوارم از بیان آن خاطر ایشان آزرده نگردد اینست که با هجده نوزده دوره وزارت و استانداری های مهم و ریاست دانشگاه، ایشان تنها نخست وزیر هستند که هنوز خانه شخصی ندارند و در يك طبقه از عمارت اجاره زندگی میکنند و تمام کشور را خانه خودشان میدانند ب فکر مکان اختصاصی نیستند، ب فکر خودشان هم نبوده اند و همیشه ب فکر کشورند بنا بر این خودشان کاملاً وارد به احتیاجات هستند، عبارت برجسته برنامه دولت اقبال کار است و کارو در این زمینه هم سابقاً امتحانات عملی داده اند رئیس - آقای ارباب درباره کفایت مذاكرات صحبت بفرمائید ارباب - بفا بر این بهتر است ما هم صحبت و مذاكرات را کوتاه کنیم و زودتر بایشان فرصت بدهیم و از خدا بخواهیم در يك وضع ثابتی بکار پرداخته با تأییدات الهی و عنایات شاهنشاه محبوب و پستی بانی همین مجلس توفیقات کامل حاصل نمایند اما بطور اختصار چندند که میدم جناب آقای نخست وزیر رئیس - در کفایت مذاكرات بفرمائید ارباب - در يك کلمه تمام میکنم اگر دستگاہها کار خود را بکنند و این عدم هم آهنگی هادر دستگاہهای دولت وجود نداشته باشد و تبدیل بهم آهنگی بشود میتوانیم بهتر و بسامد

برویم و من و رفقای من هم مراجعاتی به آقایان نخواهیم داشت (همه نمایندگان) (زنك رئیس) بشرط اینکه مأمورین هم در کار مردم دخالتی نکنند والا پیشرفت حاصل نمیشود (همه نمایندگان) رئیس - آقای ارباب چرا از موضوع خارج میشوید؟ ارباب - بنده امر جناب عالی را اطاعت میکنم ولی با سرو صدای آقایان بنده از میدان در نمیروم • رئیس - سرو صدای آقایان نمیگذارد که من بشنوم آقای ارباب چه میگویند، من عقیده دارم دو نفر آقایانی که نام نویسی کرده اند آنها هم بیاناتشان را بکنند و ایشان هم پیشنهادشان را پس بگیرند ارباب - بفا بر این بقیه عرایض میمانند برای بعد و پیشنهادم را پس بگیرم • شمس قنات آبادی - پس یکدفعه دیگر باید يك پیشنهاد کفایت مذاكرات بدهید • رئیس - آقای ارسلان خلعتبری بفرمائید خلعتبری - عرض کنم يك تمارفی به آقای دکتر اقبال میکنم برای اظهار ارادتم ایشان، و آن اینست که يك مثل ایرانی خیلی شیرینی داریم و آن اینست که اقبال يك دفعه روی میکند و وقتی که روی کرد باید از آن استفاده کرد • بیش از این نمیخواهم بشما کمیلمان بگویم اما بنده از اینجهت مخالف مشروط هستم که دولت برنامه های مطالعه شد را میخواهد اجرا کند من برنامه های فعلی را محتاج تجدید نظر میدانم و در بعضی از قسمتها هم اصلاً برنامه ای وجود ندارد که دولت باید برای

آن برنامه داشته باشد اساس برنامه ما آن چیزی است که در سال قبل مؤسسات مشاور خارجی بکمک دستگاههای اداری تهیه کرده اند هر دوی آنها ناقص بوده است البته يك قسمت عمده آن ناقص است كه دولت باید با مطالعه كامل آن نقص را بر طرف سازد در مصاحبه مستر بلاك رئيس بين المللی عمران با روزنامه پست تهران گفته است در این برنامه باید تجدید نظر شود ، طرحهای گوناگون که در سالهای اول است باید محدود شود و مبادرت بطرحهای محدود و معینی شود که نتیجه دهد بنظر من این يك حرف اساسی است ، زیرا بهتر است در ظرف چند سال چند برنامه اجراء شود و مطالعه طرحهای دیگر بپدم و كوله گردد - مقصود بنده اینست كه ما برنامه هایی كوداریم و تهیه شده اینها دوتوع باید باشند یکی نوع طرحهای وسیع و يك نوع طرحهایی است كه متوسط است و فعال رفح احتیاج ميكند ما برای طرحهای بسیار كلی كه متضمن مخارج بسیار زیادی از لحاظ مادی است و احتیاج بمطالعه و خرج زیادی دارد نمیتوانیم طرحهایی كه حقیقه قابل اجراء است مهمل كنیم من به باب مثال عرض ميكند در مازندران كه سالی ده میلیون تومان محصول كشاورزان برای بی آبی مسوزد بایست میلیون تومان میشود سد بنا رساتق را برای جلوگیری از این ضرر احداث كرد ، بنابراین برای مردم مازندران بهتر است يك سد بیست میلیون تومانی ساخته شود تا فعلا مردم استفاده كنند ، در این زمینه كار سده و مطالعه هم شده ، البته این را هم عرض كنم كه مطالعه كه اشخاص در اطراف آن زیاد بحث ميكند این يك امر مهم و اساسی است و باید درباره كار های اساسی زياد مطالعه بشود و اگر مطالعه نشود نظیر سد گرخه خواهد شد كه آن طور كه بنده شنیدم با مطالعه قبلی و كامل تهیه نشده است (صحیح است) مسأله دومی كه میخواهم عرض كنم اینست كه برای تمام آسایشگاههای مسلولین كشور هیچجه میلیون تومان در نظر گرفته شده است و مؤسسات مشاور ساختن آسایشگاه مسلولین مازندران را بنانزده میلیون تومان بر آورد کرده اند در صورتیکه با سه میلیون یا ۴ میلیون میشود آسایشگاه مسلولین مازندران را ساخت و پنج آسایشگاه مسلولین دیگر راهم برای استانهای دیگر كشور ساخت این است كه بنده عرض ميكند در این طرح ها باید در نظر داشت كه مطالعات سنگین بكار نرود و مطالعات برود روی برنامه ها و طرحهایی كه كمتر مخارج داشته باشد قابل اجراء است تا مردم از كار نتیجه بگیرند مسأله دیگری كه مخصوصاً بدولت جدید میخواهم تذکر بدهم اینست كه در همین مصاحبه مستر بلاك يك نکته ای قید است و آن اینست كه در برنامه های ایران موضوع تورم و كسر بودجه

و مسائل اساسی دیگر در نظر گرفته نشده است بنده مخصوصاً از دولت تقاضا ميكند كه این قسمت را مطالعه بكنند برای اینکه طرح هایی كه ما فعلا مشغول مطالعه و اجراء هستیم اگر تمام این طرحها طرحهای عمرانی و ساختمانی و كارهای حجم دار عظیم باشد و آنها هم برای كشور مفید است ، بنده نمی گویم كه برای كشور لازم نیست لازم است ولی باید طرحهای تولیدی در مقابل طرح های عمرانی وجود داشته باشد و اگر نداشته باشد آقایان بعد از دو سال توجه خواهند فرمود كه نتیجه این طرحها تورم بالا رفتن قیمت ها ، بالا رفتن دستمزدها و صدمه بکشاورزی خواهد بود و بنده لازم دانستم كه نظر دولت جدید را باین مسأله نسائی جلب كنم اما وعده ای كه دولت داده است برای كارهای اقتصادی بنده میخواهم بجانب آقای نخست وزیر عرض كنم كه شما در چند امر برنامه ندارید و جای این مطلب هم اینچاست برای اینکه الان دولتی است تازه آمده نخست وزیر است مصمم بكار باهیات دولت جدید آنچه كه شما برنامه ندارید با اول مسأله كشاورزی است و جناب آقای وزیر كشاورزی جدید از راه نرسیده گفته كه وزارت كشاورزی فرع زائد بر اصل است و اصلاح برنامه های كشاورزی وجود ندارد بنده دلیلش را عرض ميكند كه این درست است و واقعا نظامی دانشگاه جنگ دیده روزی كه رفته درست تشخیص داده جناب آقای نخست وزیر ما برای غله برنامه نداریم كشوريكه برای محصول غله خودش برنامه نداشته باشد تا سلف آوار است یکی از محصولات عمده پنبه است تمام ممالك مجاور ما و ممالك دیگر يك برنامه هایی دارند یعنی در ظرف پنج سال ميگویند میزان تولید را با بنده مقارن سازیم ما برای مهم ترین محصول صادراتمان كه پنبه است اصلا برنامه نداریم كه این سالی چقدر بر آوردش است و چقدر علاوه باید بشود در صورتیکه سالی چند هزار میلیون تومان از فروش پنبه میتوانیم بدست بیاوریم (صحیح است) حالا آفت پنبه افتاده بچنان پنبه امسال بنده رفتم مازندران دیده قریب ثلث محصول دچار آفت شده است كشاورزی نویسیله دارد نه برنامه دارد كشاورز پنبه كه وضعش خوب بود امسال كدائی ميكند همبطور در سایر شهرستانها محصول كشاورزان از دست رفته عرض كنم سالی چهار صد میلیون تومان جناب آقای نخست وزیر چائی وارد دولت در این كار اقدام ميكند هي تصویب نامه صادر ميكند تصمیمات متناقض ميكرد این چند سال مردم بدون كمك دولت ۹۰ كارخانه چائی تأسیس كردند امروز صیغ نامه ای بمن رسید نامه اش هم اینچاست يكزن ناشناسی يك كافتنی برای من نوشته بزرگ چائی گرفتند و حالا دارن دارن و هستیم دارد از بین میرود بنده نميگویم كه چائی

از خارج نباید وارد بشود اینقدر هم ته صب نیست و ولی يك شورای عالی چائی داریم این شورای عالی چائی گفته است كه چائی با اندازه كمبود مصرف كشور وارد كنند يك شورای عالی اقتصاد داریم این شورای عالی اقتصاد گفته است كه شورای عالی چائی غلط کرده گفته تفهیمه است هر چقدر چائی ميخواهید وارد كنید اینرا هر آدم با انصافی قضارت كند خواهد دید كه این لاقول بر خلاف حمایت از محصول داخلی است بنده اینجا كشور آلمان را مثال ميزم كه با آن قدرت و توانائی برای محصولات كشاورزی - صعبه معين كرد و نميگذارد كه زائد بر صعبه وارد شود بنده از طرف تمام چایكاران شمال و از طرف نمایندگان گیلان و مازندران تقاضا ميكند كه باین موضوع توجه بسیار اساسی بكنید (صحیح است) بعقیده بنده مسأله دیگری كه دولت باید برای آن برنامه داشته باشد جناب آقای نخست وزیر مسأله صنعت است مسأله صنعت در كشور ما بنده قدر اهمیت دارد كه این برنامه ای كه برای خوزستان در نظر گرفته شده انشاء الله اگر اجراء شود در روزنامه های خارجی خواندم كه از لحاظ استعداد خوزستان برای صنعتی شدن صنایع خارجی از این مسأله اظهار نگرانی ميكند بنابراین در مملكتی كه این مقدار واردات بمملكت می آید در مملكتی كه باید محصولات زياد شود اولین برنامه دولت بنظر بنده بعد از كشاورزی باید داشتن يك برنامه صنعتی باشد و ما اگر برنامه صنعتی نداشته باشیم بضرر مملكت است برنامه صنعتی و كشاورزی ما هم باید متكي با اعتبارات باشد بنده برای اینکه ثابت كنم كه اصلا اعتباری برای اینكار وجود ندارد و مثال عرض می كنم یکی بانك كشاورزی است كه بنده احصائیه ای گرفتم در سال گذشته فقط بیست و پنج میلیون تومان وام كشاورزی بکشاورزهای مملكت داده است در مملكتی كه پنجاه هزار ده وجود دارد در واقع بهره دهی یا نقد تومان میرسد كه عبارت از قیمت نصف گاو باشد بنابراین چطور میشود كه دولت اگر توجهی باین مسأله نكند بتواند برنامه فعالیتهای اقتصادی خودش را بوقوع اجرا بگذارد مسأله دوم مسأله بانك صنعتی است ، بانك صنعتی تشكيل شده با سرمایه ۶۰ میلیون تومان در صورتیکه شصت میلیون تومان سرمایه فقط كفايت دارد برای وارد كردن دوتا باشه تا كارخانه و جناب آقای نخست وزیر بانك كشاورزی كه بانكدارند تصدیق ميكند كه يك صنعتی باید بانكی باشد كه افلا بیست برابر این سرمایه داشته باشد تا مملكت بتواند صنعتی بشود در مورد این دو بانك و این دو مسأله لازم بود تذكراتی عرض كنم و مسأله مسكن بی اندازه برای مردم مهم است و ما برای تأمین مسكن در بانك داریم یکی بانك ساختمانی و یکی بانك رهنی و الا بنظر بنده داشتن دو موسسه برای اینكار

تقاضا ميكند حالا كه يك برنامه هایی شروع کرده اید و يا ميخواهید شروع كنيد برای فعالیت های خصوصي چه بهتر است كه ما بعضی از ممالك را در نظر بگیریم به پنبه آنها چه کرده اند ، این مملكت آلمان ده سال پیش ما آن فقر و فلاكت و بیچارگی چه کرده كه باین دوزرسید در آلمان يك وزیر اقتصادی پیدا شد اسمش را نمیدانم (مهندس فروهر - دكتر ارهارد) دكتر ارهارد دو فكر در آلمان وجود داشت يك عده میگفتند دولت باید دخالت بكنند در كارهای اقتصادی مملكت بگمده ای میگفتند كه كارهای اقتصادی باید بدست اشخاص باشد وزیر اقتصاد فوری تصمیم گرفت كه كار اقتصادی باید بدست مردم باشد و شروع كرد این برنامه را اجرا كرد دولت كارگری انگلستان برنامه كارل ماركس را شروع با اجرا كرد محدودیت ، مالیات سنگین نقشه آلمان نتیجه اش این شد كه آلمان از لحاظ اقتصاد بعد از امریکا در درجه اول است و محصولاتش بدو برابر سال ۱۹۳۶ رسیده است ولی انگلستان رسیده بدرجه سوم ، حالا ببینید آلمانها چه کردند برای مسأله مسكن ، آلمانها گفته هر كس خانه بسازد توجه بفرمائید ، فرض بفرمائید صد هزار مارك خرج خانه ميكند ، گفته معادل مقداری از این مثلا نصف از این ، از مالیات بردر آمد معاف است ، پول میدهند برای خانه ساختن ولی از مالیات دادن معاف میشود و ده سال هم از مالیات مستغلات معاف است این شده كه در ظرف چند سال تمام آلمان آباد شد اینجا اشخاصی هستند كه با نهایت حسن نیت اظهار ميكند كه از سرمایه مستغلات و خانه های موجود باید مالیات گرفت یعنی مالیات بر سرمایه باید گرفت غافل از اینكه در شهرهایی كه باید صدها هزار خانه ساخته شود ، اگر بخواهند از اصل سرمایه مالیات بگیرند آنهايي كه پول دارند بعد ها دیگر آنجا ساختمان نخواهند كرد و مضایقه پولهای مملكت را خواهند برد بخارج (صحیح است) این را میخواهم برای نمونه عرض كنم كه چقدر تأثیر دارد فكر خوب در طرف بیشتر امور اقتصادی و اجتماعی ، در ایران بنظر بنده شماره تشویق و جلوگیری از ترقی هزینه زندگی همان مسأله تشویق فعالیت های اقتصادی فردی و بكار انداختن سرمایه ها و فعالیت های مردم است بنده استدعا ميكند این قسمتی كه میخواهم برای اینكه و قتم كفايت نخواهد كرد این قسمت را تمام آقایان كه علاقه مند با اقتصاد و سیاست مملكت هستند توجه بفرمائید

میر فرمائید وزیر كشاورزی جدید همان روزی كه آمده ميگويد : وزارت كشاورزی تا حال فرع زائد بر اصل بوده و اصلا این وزارتخانه برای كشاورزی برنامه ندارد ، پس مسلم است كه تا كنون فكر صحیح برای كارهای اساسی در دستگاه دولت نبوده ، حالا ممكن است جنابعالی در ماه اول ثابت كنید كه واقعا دارید و خواهد كرد يك مثالی : آقایان مادر كمسیون كشاورزی كه رسیدگی ميكرديم بكار غله ، بيك چیزی بر خوردیم و آن این بود كه برای شرباز ميخواستند سيلو بخرند و بعد متوجه شدند كه در سال ۱۳۱۸ در زمان اعلیحضرت فقید چهار صد صندوق كارخانه و ماشين آلات سيلو وارد شده و تا امروز کسی در دستگاه دولت خبر نداشته است (دستناني تمام صندوقها هم در شرباز بوده است) این نمونه ای است كه باید كار های مربوط ب مردم را خود مردم عهده دار شوند نه دولت ، پس دولت حداكثر كوميكي كه مي تواند بكنند این است كه در موضوع كشاورزی و صنعت و ساختمان و عمران مانع دكتر اقبال قول بدهند اینكار را عملی بكنند بنده قانع هستم ولی این كار با امریه و بخشنامه و راهی كه دیگران رفتند و فرستادن ستون ستون با زرس عملی نخواهد شد ، باید طریق جدیدی را در نظر گرفت كه مامورین دولت نتوانند دخالت در امور كنند و مزاحمت فراهم آورند یعنی اگر زارع در خوزستان زراعت خواست بكنند و صحرای خشك را مبدل بزرعه بكنند اداره كشاورزی و خالصه نگویند چرا از رود خانه كارون آب ميگیری و تلمبه نصب ميكنی و چرا زمین مغرور و صحرای سوزان را آباد ميكنی اگر در مازندران کسی درخت مركبات خواست بكارد او را تشویق كنند جایزه بدهند نه مزاحم او بشوند بنظر من باید وسایلی در نظر گرفت كه بین مامورین دولت و مردم تماس واقع نشود مثلا در مورد وصول مالیات تا كنون تجربیات تلخی داشته ایم جناب آقای وزیر دارائی در مورد مالیات آنچه سعی كردند كه مالیات صحیح و مول شود ولی باید این كار را عملی كرد مثل زمان مرحوم وزیر اعلام كنید هر كس بر اساس مالیات سال گذشته ، سال پیش سال بعد حد وسط هر چقدر خودتان ميخواهید سی درصد بیشتر مالیات داد ، مالیاتش تصفيه شده است ، شما اگر اینكار را كردید نتیجه اش این می شود كه نه مامور سراغ مالیات دهنده میرود و نه مالیات دهنده با مامور تماس ميگیرد و نه كار بمامور حل اختلاف و سوء استفاده های بعدی میرسد فرض من این است كه از این قبیل فكر های تازه باید

كرد كه مامورین نتوانند سوء استفاده بكنند اما سرمایه ها و فعالیت های خصوصی همیشه در محبلی بكار می افتد كه آرام و مساعد برای فعالیت باشد آن كسی كه فعالیت ميكند ، وقت صرف ميكند ، سرمایه بكار میاندازد باید اطمینان و اعتماد داشته باشد كه نفع او تأمین است و از كار و فعالیت نتیجه خواهد گرفت و اگر بر علیه او تعریكات و تشنجات و تبلیغات سوء باشد خاصه از طرف دولت و اطمینان بفر دای خود نداشته باشد هیچكس احق نیست كه سرمایه و عمر و نیرو صرف كند پس در درجه اول باید محیطی مساعد برای این كار را ایجاد كرد تنها ثبات وضع سیاسی كافی نیست باید وضع داخلی هم با برای تشویق فعالیت های خصوصی باشد تا کسی كه می خواهد كار و فعالیت كند نگرانی نداشته باشد چه از دولت چه از قوانین بد و چه از اشخاص و افراد - از قوانین و تصمیمات مغل فعالیت های خصوصی باید محفوظ باشد باید مصون از تعرض اشخاص باشد در ممالکی كه این مصونیت را ایجاد کرده اند فعالیت های خصوصی پیشرفت ميكند مثلا در آلمان غربی کسی كه فعالیت اقتصادی دارد ممانعت است كه محفوظ است . در ایتالیا و فرانسه با اینکه در مركب از آن دو كشور قریب ربع كرسی های پارلمان را كمونیست ها اشغال کرده اند معذلك اشخاصی كه فعالیت های خصوصی اشتغال دارند از تحريك و تبلیغات سوء و دشنام بوسیله مخالفین سیاسی یا مرامی یا شخصی محفوظند و با اعتماد بوضع داخلی بكار خود ادامه میدهند . تحريك طبقاتی : این مسأله است كه اگر در جامعه تشنج باشد و طبقات تحريك شوند و طبقه بر علیه طبقه دیگر بر انگیخته شود وضع اقتصادی دچار وقفه خواهد شد زیرا در چنان شرایطی کسی سرمایه بكار نمیاندازد و فعالیت نميكند زیرا اطمینان بفر دای آینده ندارد و سرمایه و فعالیت همیشه بجای امن میرود و در جای امن بكار می افتد - با كمال تأسف سالها است من می بینم یعنی از ۱۵ سال با بنظر طرف تحريك طبقات در كشور ما وجود دارد البته صاحبان افكار افراطی چنین وضعی را طالب اند زیرا مقصود آنها آن است جامعه در حال فقر باقی بماند و پیشرفت های اقتصادی انجام نشود تا آنها وعده اصلاح بدهند و زمینه تسلط خود را فراهم سازند و مردم در عدم رضایت باقی بمانند اما يك دسته دیگر بدون اینکه بهمیند چه ميكند یا از روی حسن نیت با سادگی یا برای كسب وجهه طبقات مختلف مملكت را كه باید در حال صفا و برادری و وحدت باشد تحريك ميكند و بر علیه هم بر میانیگزینند و این عمل با تشویق فعالیت های خصوصی برای اصلاح

در امر بكار سرمایه بكار می رود محصولات فراوان و ارزان تهیه و در دسترس طبقات

مختلف مردم گذاشته میشود سطح زندگی امریکا و اروپا را بورژوازی بالا برده است خود کمونیست ها این مطلب را قبول دارند بورژوازی علم و صنعت را ترقی و توسعه داده است نه دولت ها .

کورس يك كارخانه در تهران تأسیس کرده برای دو هزار نفر کار تهیه کرده در ولایات اشخاص سرمایه بکار گذارده و کارخانهائی مفید برای کشور ایجاد کرده اند اگر چند نفر دیگر تشویق شوند کار کورس را بکنند ماشینی که از خارجه وارد می شود در داخله تولید خواهد شد و صد ها میلیون تومان پول مملکت را صنایع خارجی بخواهند برد .

پس چه باید کرد صنایع خارجی این بازار ها را از دست ندهند باید کورس و هر چه سرمایه دار است برخلاف آلمان و فرانسه و ایتالیا و بلژیک و چش داد و بشام داد و محیط منقب و متشنجی بوجود آورد که کسی بکار های تولیدی نیردازد (بگفتار از نمایندگان - من در آنها کسی حق ندارد قفس بدهد) من تعجب میکنم اشخاصی که اگر در آخر ماه از بودجه دولت چند صد تومان نگیرند باید از گرسنگی تلف شوند چه حق دارند اشخاص دشنام بدهند که با مالیاتی که از آنها گرفته می شود حقوق هزار نفر مستخدم دولت تأمین می شود - مگر کورس که بکنند که مالکین مانده شدند ؟ البته روزنامه نویسهای خارجی باید مالکین را مقصر جلوه بدهند تا مردم فراموش کنند که علت بدبختی و عقب ماندگی ایران سیاست های استعماری بودند که نمی گذارند ایران حتی يك جاده احداث کند و چند کیلومتر راه آهن بکشد و يك قری که ایران عقب ماند به همین علت بود و در يك دوره کوتاه بیست ساله که این کابوس از روی ایران برداشته شد ایران بهمت شام قید با سرمایه خودش بدون کمک سرمایه خارجی راه آهن سراسری کشید - دانشگاه ساخت - هزار ها جوان تحصیل کرده تربیت کرد - مدارس را توسعه داد - کشاورزی را ترقی داد - کارخانه های زیادی احداث کرد - بانک ملی تأسیس کرد و میخواست در راه ترقی جلو برود که فاجعه سوم شهریور پیش آمد - در ایام شاه فقید مالکین هم بودند و برنامه دولت کمک با آنها و کمک کشاورزی بود پس عقب ماندگی ایران چه ربطی بمالک و تاجر و کارخانه دار و خانواده های قدیمی دارد - علت فقر و بدبختی ایران ورود قشون خارجی و جنگ بین المللی اول و دوم و دوازه سال هرج و مرج و اغتشاشات داخلی ناشی از عملیات کمونیست هاست ناشی از خسارات زمان جنگ است که قیمت ها را بالا برد تورم ایجاد کرد راه آهن ما را خراب نمود خطی ایجاد کرد مرض آورد غلها را بردند نشر اسکناس بما تحویل کردند البته روزنامه نویس خارجی باید مالکین را مقصر جلوه

دهد تا مردم این مسائل را فراموش کنند . حال که اکثر وزراء و معاونین و مدیر کلها و امرا و غیره هم از خانواده های جدید هستند - این هزار خانواده را چرا اسم نمبرند - در همان روزنامه خارجی نوشته است که روشنفکران باید زمام را بدست بگیرند - غافل از اینکه الان همه وزرای ما از تحصیل کرده های روشنفکر هستند ایجاد بدبینی بین طبقه روشنفکر و تولید کننده بر ضرر مملکت است مملکت هم روشنفکر نخواهد که مغز مملکت باشد و از شاد کند و معلومات خود را برای ترقی و تعالی جامعه بکار برد هم تولید کننده لازم آورد هم تاجر هم کاسب هم کشاورز هم کارگروه مالک و دولت باید سعی کند وحدتی بین همه این طبقات بوجود بیاورد که هر کدام در جای خود خدمتی را بدهد دارو نه مثل مالک دیگر عرض کنم البته توجه بفرمائید که بنده طرفدار آن هستم که برای آباد کردن املاک عمده در ایران برنامه های صحیح باید آورد و املاک را از این صورت باید خارج کرد اما نه این طریق و با این حملاتی که میشود . امروز ستون فقرات کشاورزی مملکت ما هزارها نفر مالکین متوسط هستند که زحمت میکشند علاقه دارند قنات آباد میکنند نهر احداث میکنند شما که بانک کشاورزی حسابی ندارید به بانک کشاورزی شما چندماه پیش اصل يك چکی کشیده بود ۴ میلیون تومان نزدیک بود ورشکست شود . بنابراین اگر مالکین متوسط در مملکت نباشند و در امر کشاورزی دخالتشان برداشته شود خدا شاهد است این چیزی است که بفتح سیاست خارجی است ، این بضرر کشاورز است در جاهای دیگر هیچ این کار را نکردند اول چاه را کندند بعد منار را زدند بعد وقتی که بانک کشاورزی شما سرمایه داشت به ۵ هزار میلیون تومان سرمایه اش رسید و توانست برای تمام مردم مفید باشد آنوقت بنده هم موافق میشوم اما يك چیزی است ، یاز سال سیل آمد میدانید چه بدبختی مردم کشاورز داشتند بانک کشاورزی شما کجا بود سرمایه اش ؟ دو میلیون از این گرفت دو میلیون از آن و تازه اگر شیر و خورشید سرخ نبود آن مرد خیر دریانی نبود مردم بدبخت میشدند و تازه صدی نمود آبادی و تعمیر را خود مردم کردند خورده مالکین کردند ، دولت کومک نکرد بنا بر این همانطور بکارتبه رشته فعالیت مملکت را روی تحریمات خیر نگاران خارجی قطع کردن و یا روی نظریات دیگر ، خدا شاهد است بضرر منک است در مقابل کمونیستها طبقه متوسط مملکت هستند طبقه متوسط مملکت خورده مالکین هستند اصناف هستند اهل کسب و تجارت هستند ، کمونیستها برنامه اولشان اینست که اینها را بردارند و چقدر خوشحال میشوند که بدست من و شما و یا

تجدید بکات ما بردارند ، تمام مالکی را که کمونیستها تسخیر کردند اول طبقه متوسط را ناراضی کرده اند آنها را تحریک کرده اند و با خودشان همراه کردند ، خودشان نتوانستند ، انقلاب روسیه رابطه متوسط و بورژوا کرد نه طبقه کارگر تمام سعی اینها اینست که این طبقه را علیه شما برانگیزانند بدست اشخاص موهوم و جب ناهای دروغی میخواهند طبقات متوسط مملکت را ضعیف بسازند و این سیر و مانع را از میان بردارند با نهایت صمیمیت عرض میکنم آقای دکتر اقبال امروز سالهاست که طبقه متوسط مملکت تعدی می شود این تعدی را ما مورین دولت میکنم . هیچ وقت نه رؤسای دولت ها و نخست وزیر ها میل نداشتند مردم تعدی شود اما از عهده ما مورین دولت بر نمانده اند آنها را بچند طریق ازیت میکنند ادارات مالیه از ایشان میکنند عرض کنم در سال ۳۴ در تهران از طبقات متوسط مالیاتهای سنگین گرفته اند این جناب آقای بهبهانی و کیل تهران تشریف دارند ، از حمامی و شیشه گرو و شیشه بر مالیات گزاف گرفتند آقای بهبهانی خود شما مکرر بکمسیون شکایت کردید نظارتان هست چه میکردند ما مورین مالیه حقیقه افتاده بودند بجان طبقه متوسط و فشار به طبقه متوسط آوردند (مهندس اردبیلی - حالا هم میکنند) فشار طبقه متوسط می آوردند و آنرا زیر بار مالیات خورد میکنند من از شما تقاضا میکنم که بجای طبقه متوسط توجه کنید الان در ادارات مالیه از زرعینی که خودشان ملکی دارند مالیات مطالبه میکنند جناب آقای دکتر اقبال ، آقای وزیر دارائی ، اداره مالیه از زرعی که خودش زراعت میکند مالیات مطالبه میکنند خدا شاهد است بما نوشته اند در کمسیون عرایض که اگر بما توجه نکنید رسیدگی نکنید میرویم بعمان و مسقط پناه میبریم قانون نوشته است که زرعینی که خودش بشتل زراعت اشتغال دارند از مالیات معاف هستند ، میخواهید الان از مجلس سؤال کنم ، همه موافق هستند ، زرعی که خودش مشغول زراعت است مطابق قانون از مالیات معاف است (صحیح است) چرا تعدی میکنید ؟ عرض میکنم مسأله مالیات آقای نخست وزیر خیلی مهم است . مسأله مالیات روی کسب و چچه و موافقین نباید باشد ، تجار و شرکتهای بزرگ من تصدیق میکنم سالهاست مالیاتی را که باید بردارند نپرداخته اند . مالیات را باید از آنها گرفت خودشان باید این نقطه ضعف را بر طرف کنند و این لکه را از دامن خود پاک کنند و مالیات صحیح ، مملکت بردارند اما اگر يك تجاری را به پنججاهزار تومان محکوم کردید دیگر نباید این را در ددر خوشحال میشوند که بدست من و شما و یا

فتح خیر که نکردند که ۵۰ هزار تومان مالیات گرفته اند این موجب تحریک مردم می شود بر علیه این اشخاص مالیات از روی بغض نباید گرفته شده ، مالیات از روی اساس عدالت باید گرفته شود - از روی بغض اگر مالیات گرفته شود دیگر کسی عقب ایجاد کارخانه نمیرود عرض کرد ما مورین اطمینانی که دستگاه مالیات از روی عدالت حکم میدهد بنظر بنده وجود ندارد ، البته در این شرایط ما مورین هم سواستفاده میکنند . ما مورین میروند میگویند اگر این قدر ندهی اینقدر میته بسیم برات اهدا میدهد ، البته میدهد همانطور که اغلب حضرت آن روز فرمودند برای اینکه از این وضع هم استفاده میکنند ما مالکین اساس عادلانه ای درست کنید که هر کس ملکی باشد که مالیات عادلانه گرفته میشود و به اشخاص ثروتمند هم توصیه میکنم که بفتح خودشان است که مالیات حق را بپردازند ، آنها هم میگویند هر چه ما مالیات بپردازیم صرف دستگاههای اداری می شود که شب و روز آن دستگاه هم ضرر کار میکند ، این حرف هم بجای خودش درست است ، اگر اینهم درست نباشد آن کسی که يك قران برای سیگار مالیات میدهد آن هم روی این حساب نباید بدهد اینست که بنده از دولت جنابمالی تقاضا میکنم که امر وصول مالیات را واقعا از روی عدالت و وجدان انجام بدهید و طبقه متوسط مملکت را از این بدبختی نجات بدهید . مسأله دیگر که میخواهم عرض کنم هزینه زندگی است که کار خوبی کردید که وعده ندادید که بالا نبرید یا پائین بیاورید . هزینه زندگی آقای وزیر بازرگانی بدست جنابمالی باید باشد . در انگلستان پریروز اعتصاب کردند برای اضافه مزد برای اینکه قیمت ها ترقی کرده ، در امر بکاهم ترقی کرده در همه جا قیمت ها رو بر ترقی است باید با برنامه صحیح اقتصادی اقدام کرد بنابراین برای این برنامه صحیح اقتصادی من دو راه بشما راهنمایی میکنم ، جناب آقای دکتر اقبال آقایان وزیران این دو کار را خواهش میکنم مطالعه کنید اگر صحیح بود عمل کنید اول این است که اگر شما شورای عالی اقتصادیاتن مرکب از چند وزیر است و يك مدیر عامل ، این یعنی خود دولت این میشود مثل اینست که خود دولت آینه گذاشته خودش با خودش مشورت میکند . این وزیر هم خطای آن وزیر را میگوید درست است نیست بنده میگویم بیایید يك کاری بکنید بیایید از اطلاعات مردم استفاده بکنید از هر شهرستانی چند نفر نماینده انتخاب کنید آن چند نماینده بروند مرکز استان و سالی دو مرتبه یا سه مرتبه آن نمایندگان

استانها بیایند تهران ، احتیاجات کرمان بلوچستان ، خوزستان ، آذربایجان ، گیلان و مازندران را بیایند بشما بگویند که هیأت شما توجه با احتیاجات مملکت و آنچه مردم میخواهند بر نامه های اقتصادی را بتوانید عمل کنید . اگر این کار را عمل بفرمائید اشتباهات بر طرف میشود و تصمیمات خلق الساعه هم از پشت میز تهران برای مردم ولایات کمتر گرفته میشود . این در واقع یک نوع مشورت با خود مردم است . مسئله دوم هم میخواستم بشما تذکر بدهم که ضرر ندارد که از متخصصین اقتصادی آلمان غریب برای مملکت استفاده بکنید من معتمد راهی که شما میروید چه از لحاظ سیاسی چه از لحاظ اقتصادی برای مملکت اند . بتقلید از آلمان غریب باشد بنابراین در مسأله زندگی را روی برنامه صحیحی اگر بر ویب روی برنامه صحیح انشاء الله امیدوارم بتوانید جلوگیری کنید که قیمت ها از این بالاتر نرود ، مثلا همین قضیه اتوبوسرانی تهران دولت خودش نرخ اجناس را وقتی اضافه کرده با کمال تأسف در سایر کالا ها هم تأثیر میکند (صحیح است) اتوبوسرانی تهران این شرکت واحد مطابق قانونی تشکیل شد آقایان آن قانون غلط است . آن قانون در دوره ۱۷ وضع شد ولی آن قانون غلط است برای اینکه میگوید ۴ سهم مال مردم ۱ سهم مال دولت ، مردم صرفه جو هستند و دستگاه دولت خراج است که میخواهم عرض کنم هزینه زندگی است که کار خوبی کردید که وعده ندادید که بالا نبرید یا پائین بیاورید . هزینه زندگی آقای وزیر بازرگانی بدست جنابمالی باید باشد . در انگلستان پریروز اعتصاب کردند برای اضافه مزد برای اینکه قیمت ها ترقی کرده ، در امر بکاهم ترقی کرده در همه جا قیمت ها رو بر ترقی است باید با برنامه صحیح اقتصادی اقدام کرد بنابراین برای این برنامه صحیح اقتصادی من دو راه بشما راهنمایی میکنم ، جناب آقای دکتر اقبال آقایان وزیران این دو کار را خواهش میکنم مطالعه کنید اگر صحیح بود عمل کنید اول این است که اگر شما شورای عالی اقتصادیاتن مرکب از چند وزیر است و يك مدیر عامل ، این یعنی خود دولت این میشود مثل اینست که خود دولت آینه گذاشته خودش با خودش مشورت میکند . این وزیر هم خطای آن وزیر را میگوید درست است نیست بنده میگویم بیایید يك کاری بکنید بیایید از اطلاعات مردم استفاده بکنید از هر شهرستانی چند نفر نماینده انتخاب کنید آن چند نماینده بروند مرکز استان و سالی دو مرتبه یا سه مرتبه آن نمایندگان

راهش بنظر بنده انجمن شرکت واحد و سیردن آن بدست خود مردم است (احسن است) آقای دکتر اقبال بنده در موضوع حزب هم میخواستم تذکر بدهم و فقط يك تذکر کوچک است احزاب باستی مبتنی بر - تشکیلات اجتماعی و ایدهولوژی باشد احزابی که عتکی بر تشکیلات اجتماعی نباشد آن احزاب با آمدن اشخاص و رفتن اشخاص از بین خواهند رفت بنابراین این فکر مقدس صحیح که مملکت حزب لازم دارد این را باید با مطالعه کافی و روی تشکیلات اجتماعی مملکت تشکیل داد نه برای چهار پنج نفر و افکار بخصوصی و بعلاوه این راهم بدانید که در بعضی از مملکت ها روی اصل حزب بسازی نگذاشتند آن مملکت ترقی بکند و اصل حزب بازی بدر آن مملکت را در آورد آلمان را در نظر بگیرید بویک مملکت دیگر را که در آن دومی هر روز داد و فریاد بلند است سری که درد نمیکند بیخود دستمال نیندند و در چند فروت وارد مبارزه نشود فروت اقتصادی را شروع کنید خدا شاهد است محکمترین مشتی که بدانید خواهان این مملکت میزند اقتصاد است اقتصاد است و برای این اقتصاد هم روی يك برنامه ای صحیح کارهای تازه و يك فکرهای تازه بکنید يك مثالی برایتان عرض میکنم جناب آقای نخست وزیر پریروز بانك نفر تصادف کردم میگفت در پنجسال پیش يك قالب بچم صنوعی پنج تومان بود ساخته نشد البته تمام این برنامه هائی که ما داریم يك قسمتش قابل مطالعه است و بنده خودم تصدیق میکنم که باستی با مطالعه و تانی انجام بشود و کارهای سنگین سازمان برنامه را بنده نمیگویم که همین حالا انجام بدهید باید با مطالعه و با دقت باشد اما راهسازی راهبده وزارت راه بگذارید که تمام استانها شهرستانها دهات زندانشتر راه بسته آهسته آهسته اندازند این مسئله راه را دقت بفرمائید که در حدود وسائل موجود انجام بشود (صحیح است) یکی هم کمکی است که باستی بسا کتب شهرستانها بکنند بسا کتب شهرستانها برای کارهای کشاورزی و عمرانی و تولیدی برای ایجاد کارخانه اگر تقاضائی کردند باید تقاضا بشان مقدم باشد (صحیح است) آنها برق ندارند امنیت ندارند غذا ندارند مسکن ندارند هیچ چیز ندارند بسا اگر يك تاجری از ولایات يك تقاضائی برای احداث يك کارخانه مفیدی کرد باید آنرا مقدم داشته باشند اما از لحاظ برنامه صنعتی کشوری هم نباید بهر کارخانه ای اجازه بدهید بمملکت وارد بشود کارخانه هائی باید وارد بشود که در درجه اول بتواند محصولات کشاورزی مملکت را مصرف کند تا محصولات کشاورزی همیشه در مملکت بازار داشته باشد بنده شنیده ام که به وجه فنان حمایت سرمایه های خارجی بمقاطعه کارهای خارجی اجازه داده است که از قانون جلب سرمایه های خارجی استفاده کنند این

صحیح نیست و بنظر بنده غلط است. کار خارجی اگر آمد اینجا کار کرد بیاید کار کند امام مکن است او یک میلیون تومان بیاورد ۳۰ میلیون تومان فایده ببرد اینجا ۳۰ میلیون تومان را نباید همان فزیت را بهش داد که یک کسی می آید اینجا و یک کارخانه صنعتی درست می کند این دو تا با هم فرق دارد بنابر این موضوع را باید توجه کرد که از قانون جلب سرمایه خارجی آن اشخاص استفاده کنند که فعالیتشان و کارشان مفید بحال تولید در مملکت باشد بنده عرابض را ختم میکنم مسئله امنیت در کشور الان چند سال است با وجودی که امنیت در کشور برقرار است مملکت هر شب در روزنامهها میخوانیم که در فلان قریه رفتند و چند نفر را کشتند و در فلان قریه رفتند و چپاول کردند یا سال در ملایر چپاول کردند تا او تو بسور را گرفته و تاراج و چپاول کردند با این قوای انتظامی که پیش از نصف بوده مملکت ما خرج قوای انتظامی میشود حقیقت خواندن این اخبار که فلانجا شهرداری را کشتند و فلانجا عضو انجمن شهر را کشتند فلانجا این با آن اختلاف حساب داشت شب رفت زنی را می ناموس کردند دیگر امر و زرد دنیا خجالت آور است باید یک برنامه ای تنظیم بفرمائید اجرای این برنامه امنیت را از استانداریها بخواهید بنده از اینک زیاد مصدع شدم خیلی معذرت می خواهم چون دیدم بهترین موقع است که اینجا مشه در دلدل کرد خواستم مقدمه دل را باز کرده باشم و چون جناب عالی را مرید عمل می دانم خدا شاهد است که از صمیم قلب موفقت شمارا خواهانم (احسن)

رئیس - آقای عمیدی نوری - من برای اولین بار در دوره خدمتگذاری پارلمانی خود بنام موافق در برنامه دولت اسم نوشته ام و از این عملی که بکار بردم نه تنها نام نیست بلکه بسیار خوشوقت هستم و دلیل بنده هم این است که اولاً شخصیتی زمامدار کشور شده که گذشته از اینکه در مدرسه دارالفنون با ایشان هم دوره بودم و طرز تحصیلش را دیده ام بعد از شهریور در سیاست از او حکومت مشروطه ظهور و پیشرفت او را روی پایه خود و مردم داری و لیاقت دیدم هیچ فراموش نمیکنم این شخصیتی که امروز زمام کشور را بدست گرفته در اولین مرحله ای که قدم در سیاست گذاشت معاون وزارت بهمداری شد در آن روز در وزارت بهمداری چون من روزنامه نویسم و همیشه این وقایع را می نویسم و گاهی هم در خاطر میماند ، یک اسکاندالی پیش آمد و بعد این شخصیت نشان داد که دارای این لیاقت هست که می تواند از آن مقام بتدریج مراحل تکاملی را طی بکند و امروز زمامدار کشور بشود باین جهت

بغودم تبریک میگویم و امیدوار هستم که بشود با همت و کار و لیاقت چنین شخصیتی که زمامدار کشور شده بتوانیم به آنچه که میگویم امید بیشتری داشته باشیم که پیشرفت بکنیم و بهمین دلیل معتقد هستم وظیفه مجلس نوزدهم که نشان داده است عمل مثبت میکند و از دولتها حمایت برای پیشرفت کار میکند صمیمانه و از روی حقیقت از این دولت پشتیبانی کند دولتی که فعلا روی کار آمدن اولین عنوانی را که برای اداره مملکت نشان داد گفت من از رژیم حکومت نظامی بی نیازم و دیگر حکومت نظامی نمیخواهم این حرف بسیار مهم است این حرفی بود که تمام مطبوعات و اجتماعات و افکار عمومی را بخودش متوجه کرد برای اینکه راجع قریه رفتند و چند نفر را کشتند و در فلان قریه رفتند و چپاول کردند یا سال در ملایر چپاول کردند تا او تو بسور را گرفته و تاراج و چپاول کردند با این قوای انتظامی که پیش از نصف بوده مملکت ما خرج قوای انتظامی میشود حقیقت خواندن این اخبار که فلانجا شهرداری را کشتند و فلانجا عضو انجمن شهر را کشتند فلانجا این با آن اختلاف حساب داشت شب رفت زنی را می ناموس کردند دیگر امر و زرد دنیا خجالت آور است باید یک برنامه ای تنظیم بفرمائید اجرای این برنامه امنیت را از استانداریها بخواهید بنده از اینک زیاد مصدع شدم خیلی معذرت می خواهم چون دیدم بهترین موقع است که اینجا مشه در دلدل کرد خواستم مقدمه دل را باز کرده باشم و چون جناب عالی را مرید عمل می دانم خدا شاهد است که از صمیم قلب موفقت شمارا خواهانم (احسن)

رئیس - آقای عمیدی نوری - من برای اولین بار در دوره خدمتگذاری پارلمانی خود بنام موافق در برنامه دولت اسم نوشته ام و از این عملی که بکار بردم نه تنها نام نیست بلکه بسیار خوشوقت هستم و دلیل بنده هم این است که اولاً شخصیتی زمامدار کشور شده که گذشته از اینکه در مدرسه دارالفنون با ایشان هم دوره بودم و طرز تحصیلش را دیده ام بعد از شهریور در سیاست از او حکومت مشروطه ظهور و پیشرفت او را روی پایه خود و مردم داری و لیاقت دیدم هیچ فراموش نمیکنم این شخصیتی که امروز زمام کشور را بدست گرفته در اولین مرحله ای که قدم در سیاست گذاشت معاون وزارت بهمداری شد در آن روز در وزارت بهمداری چون من روزنامه نویسم و همیشه این وقایع را می نویسم و گاهی هم در خاطر میماند ، یک اسکاندالی پیش آمد و بعد این شخصیت نشان داد که دارای این لیاقت هست که می تواند از آن مقام بتدریج مراحل تکاملی را طی بکند و امروز زمامدار کشور بشود باین جهت

است ولی هر کار مشکلی مرد کار میخواهد و بایستی آن کار مشکل را پیش برد اینک اینجا گفته شد که کار حزب حتم در آلمان هم آن اشکالات را پیش آورد و توفیقی حاصل نشد من برعکس ترکیه را مثال میزنم ترکیه از حکومت حزبی، حزب اکثریت و اقلیت بهره منداست و این دو حزب در کار اجتهامی ترکیه من خودم دیدم و ناظر بودم که بسیار خوب عمل میکنند حزب اکثریت پشتیبانی کامل از دولت میکنند حزب اقلیت هم انتقاد بیتر ضانه میکنند و نکته های مختلف را شرح میدهد که اکثریت اشتباه نکند در دعوتی که در ترکیه داشته یک روز با ما مورین خود دولت که از حزب اکثریت بودند میرفتیم یک نقطه ای را ببینیم گویا بشهر بورسا بود که میرفتیم آنجا با هم کاران روزنامه نویس خودمان یک ملاقاتی بکنیم در شهریور بورسا من دیدم یک اجتماع است از راهنمای خودمان پرسیدم که اینجا کجا است گفت اینجا مرکز حزب اقلیت است گفتیم آیا شما موافق هستید که ما هم برویم آنجا را ببینیم گفتند با کمال میل و ما بعد از انجام برنامه در شهریور بورسا رفتیم در آن حزب اقلیت دیدیم که اجتماعات موفقی است ناطق هم نماینده کشاورزان بود و از سیستم کار کشاورزی دولت انتقاد میکرد و این ما مورین دولت هم که از حزب اکثریت بودند آنجا ایستاده بودند گوش میکردند بعقیده من این فکری که پیش آمده و اینکه سکی از اموری است که وظیفه دولت دکتر اقبال است باز هم از امیدمانی است برای مردم و از ادله است که من خودم را صمیمانه در حقیقت موافق با این برنامه و تقویت این چنین دولتی میدانم و خود را مکلف و وظیفه دار میدانم که با این دولت موافقت کنم من معتقد هستم که موضوع باید مورد توجه تمام ملت ایران باشد ما پنج سال کم و بیش راست یادروغ از حکومت پارلمانی و مشروطیت برخوردار هستیم و در این مدت اغلب گله ها و ناله های ما این بود که مشروطیت ما آن عوامل پارلمانی خودش را حکومت پارلمانی خودش را ندارد و مطبوعات در اختناق و زردی خوردن دولت هستند و دولت غیر متکی بحزب و مجلس غیر منسک از حزب است اینها آن ایراداتی بود که ما کم و بیش بشروطیت خودمان داشتیم امروز کمال خوشوقتی حاصل است که بعد از قیام ۲۸ مرداد در ظرف چند سال اوضاع مملکت بحالت تثبیت و آرامش در آمده در واقع کشوری که مورد حمله و تعرض در اساس استقلال و رژیمش قرار گرفته بود با فعالیت مداوم این چند سال بجائی رسید که میتوانیم در یک چنین روزی مستغنی از حکومت نظامی بشویم و قدم بلند محکم در راه مشروطیت یعنی آزادی مطبوعات و فعالیت حزبی برداریم

و کسی که امروز آمد و میگوید من این طرز میخواهم حکومت کننم با عوامل مشروطیت میخواهم حکومت کننم با عوامل مشروطیت و کار بنده خیال میکنم این بهترین طرز است که در وضع حاضر کسی بیاید بگوید میخواهم مملکت را اداره کنم و بهترین اقبال و طالع است که برای مملکت دولت خودش آورده است و چطور میشود گفت که من طرفدار مشروطه علاقمند بحکومت پارلمانی و طرفدار این اصول هستم و باید که چنین حکومتی با این طبعه و این برنامه و این روش در آمدن مخالف خوشبختانه در این دوروزی که مشغول مطالعه در برنامه هستیم ندانم که هیچک از ناطقین ناطق مخالف بهمنای خودش باشد و این سه مخالفی که به عنوان مخالف مشروط صحبت کردند ناطق اول جناب آقای دکتر بینا تنها بعشاش این بود که چنانچه عنوان کرد برنامه مهم است بعقیده من اگر برنامه را مطالعه فرموده باشند البته مطالعه فرموده اند هیچگونه ابهامی در برنامه نیست بلکه صریحاً اعلام کرده اند عبارت برنامه این است در سیاست داخلی بر نامه های دولت اینجناب کار است و کار به معنی ابهام را گذاشته اند کنار و تشریح کرده اند «اجرای سریع برنامه های تولیدی و عمرانی که مطالعات آن تساهل انجام شده است» بعقیده من در گذاردن این جمله خیلی مطالعه شده است چون فعلا ما زیاد در مرحله مطالعه هستیم این است که در این جمله خیلی مطالعه شده است که ایرادی پیش نیاید و این همان چیزی است که ما میخواهیم و تا بحال انجام نشده است هر وقت که ما گفتیم چرا کار نشده با می گفته اند که داریم مطالعه میکنیم حالا دولت جدید می گوید اصلا من می خواهم آن کارهای مطالعه شده را اجرا کنم بعد هم گفته اند سر بیا میخواهم اجرا کنم بنده معتقدم که اگر همین یک جمله عمل بشود از آن اعمالی است که تمام نمایندگان معترم که موافق هستند تمام ملت ایران هم موافق است چون دردی که الان مملکت ما میکشد از همین است از اینکه برنامه های تولیدی و عمرانی اجرا نمیشود مطالعه ، مطالعه ، مطالعه تنها دفاع است این دولت آمده می گوید نه آقا من آن برنامه هائی که مطالعه شده سر بیا اجرا میکنم و اگر اجرا نکردند فردا در جواب عدم اجرای یک چنین قید و شرطی نمی توانند دیگر جوابی بدهند و در آن صورت است که آنوقت مخالفین ایراد خواهند نمود و خود بنده هم ایراد خواهم کرد و مخالفت هم خواهم کرد که چرا یک چنین برنامه ای با این کیفیت بجائی رسید که میتوانیم در یک چنین روزی مستغنی از حکومت نظامی بشویم و قدم بلند محکم در راه مشروطیت یعنی آزادی مطبوعات و فعالیت حزبی برداریم

قبیله است قسمت های دیگر بر نامه همه اش تعیین شده موضوع کار یکیش این بود که کارهای مطالعه شده را اجرا میکنند بسیار کار مهمی بود بعدش هم تشویق مردم جهت بکار انداختن سرمایه خصوصی و این هم بسیار مهم است این همان نکته ای است که با وضعی که در دولت سابق پیش آمده با تبلیغاتی که میتنی بر ترساندن مردم بود با تزلزلی که در مالکیت مردم بوجود آمد و با تبلیغات زندانی که ایجاد عیب میکرد بسیاری از کسانی که بکار میخواستند همت بکارند سرمایه بکار بیندازند نگران بودند وحشت میکردند میگفتند چه بکنیم یعنی جا برای بکار انداختن سرمایه های داخلی آنطوری که باید نبود تا چه برسد بجلب سرمایه خارجی من وقتی مصاحبه جناب آقای نخست وزیر را با مطبوعات خواندم و باین عبارت توجه کردم بیشتر متوجه شدم که چه جور میخواهند عمل کنند فرمودند دولت من پرونده ساز نیست و میخواهد بر رسم یک پدر مهربانی نسبت به تمام فرزندان عمل کند و اگر در بین فرزندان فرزند شروری بود او را ارشاد و هدایت کند تا از قوای این فرزندان استفاده کرده باشد بنده معتقدم این همان سیستمی است که برای بکار انداختن قدرت ها و فعالیت ها و انرژی ها و سرمایه های خصوصی داخلی و خارجی زمینه صحیحی تهیه میکنند و معتقدم که این قدم دومی که بعد از جمله اول در برنامه گفته شده و وعده داده شده البته ما این امید را داریم که مردی که این وعده را میدهد آنچه را که وعده داده به آن وعده هایش عمل هم میکند در این صورت ما یکی از قدمهای بلند را برای اصلاح کشور برداشته ایم و برای انجام این کار بنده معتقد هستم که باید امنیت قضائی در مملکت باشد باید دستگاه عدلیه ما باشد که برایش تثبیت کردیم منزه باشد از اعمال نفوذ در امور قضائی کشور من معتقدم که دستگاه انتظامی که برای قضای در دست کردیم باید با آزادی عمل خودش از نظر قضائی قوه قضائیه را هدایت کند اما معتقد نیستم که وزیر عدلیه در کار قضائی دخالت کنند من شنیدم از اعتبار سزای وزارت عدلیه در دولت گذشته در صدور حکم در یک رأی بقاضی یادش داده شده این یعنی چه؟ یعنی شوه قانونی یعنی ای قضای اگر حکم به نفع دولت دادی این پول را بیکر (یک نفر) نماینده گان اسمش را بگویند) آقا بدانید که بنده هیچوقت عرابض بهدلیل نیست به دونفر قضای بهر کدام هزار تومان داده شده گویا بشبه استیفاء پادش داده اند برای حکمی که بیکطرفش دولت بوده من نمیگویم آن داد شده یا بناحق آن عمل غلط بوده من میگویم بقاضی دولت پادش میدهند باین

عمل یعنی دولت رشوه میدهد و این صحیح نیست (دکتر دادفر - آقا آن قاضی صد هزار تومان رشوه را رد کرد) بسیار خوب نباید از اعتبار مجرمانه وزارت دادگستری بقاضی برای صدور رأی پادش داده بشود من باین عمل اعتراض دارم من بجهت داخلش کاری ندارم اگر هم اسمش را بنویسند نیکی گفتم ولی برای اینکه بدانید حرفی که میگویم بدون مطالعه نیست عرض کردم بهمین جهت برای مذاکره درباره دولت که در رأس وزارت دادگستری مردی که منحصراً مرد قضائی و یخته عدلیه است آقای مجلسی قرار دارد و این شخص فعلا که منحصراً مرد قضائی و یخته عدلیه است آقای مجلسی قرار دارد و این شخص فعلا که در کار قضات دخالت کند برای اینکه در سال ۱۳۰۶ که خودم بعقمت قضائی در آمدم با ایشان همکاری بودم از همان روز ایشان را میشناسم و بطرز فکشان آشنا هستم و میدانم که ایشان این نظریه را ندارند و امیدوار هستم که جناب آقای دکتر اقبال قوه قضائیه ما را همانطور که ذکر فرموده اند منزه از اعمال نفوذ و متمیز از تزلزل در افکار عمومی نگهدارند تا مردم باین دستگاه امید و اطمینان واقعی و قلبی پیدا کنند در آن صورت است که سرمایه های خصوصی بکار میافتد در آن صورت است که مردم میروند پول قرض میکنند زحمت میکنند کار ایجاد میکنند و برای مردم بیکار کار وجود میآید اما وقتی امنیت قضائی نبود کسی نمیرود دنبال کار و سرمایه ای نمیآید این است که من از این جهت هم بسیار خوشوقت هستم اما ناطق سوم در مخالفت خودشان جمله ای فرمودند راجع بر نامه فرمودند که من از این جهت مخالفم که چرا دولت تمهید کرده که فقط میخواهد مطالعه شده را اجرا کند و حتی تجدید نظر در برنامه های دیگر نمیکند بنده باین قسمت می خواهم جوابی عرض کنم در قسمت اجرای سریع برنامه های تولیدی و عمرانی مطالعه شده که در برنامه دولت نوشته شده و بسیار صحیح نوشته شده و غیر از این هم دولت نمیتواند کاری بکنید برای اینکه دولت باید مجری قانون باشد این برنامه ها در ضمن برنامه هفت ساله تهیه شده بعد هم برنامه های تفصیلی از کمیسیون مشترک برنامه گذشته بنا بر این قدرت قانونی دارد و قانون راهم هیچ دولتی نمیتواند بگوید من اجرا نمیکنم بلکه متشکریم از دولتی که بگوید من قانون را اجرا میکنم اما در اینکه قانون برنامه هاست من از آن محتاج بتجدید نظر است بنده هیچ تردیدی ندارم بنده معتقدم یکی از نقاطی که نقطه ضعف دولت سابق بود وظیفه خودم نیز میدانم در حضور جناب آقای دکتر اقبال هم این موضوع عرض شود چون در این دولت هم ممکن است نقطه ضعف قرار

بگیرد موضوع سازمان برنامه است من برای سازمان برنامه و طرز کارش عدم رضایت می بینم و این عدم رضایت طور است که هر روز محسوس است (صحیح است) بنده امروز صبح که آمدم اینجا بهر کدام از آقایان نمایندگان خوب کاغذ هائی میرسد برای کار- هایشان دیدم یک کاغذی بنده رسید بر داشتم این کاغذ را بخوانم وقتی یا کت را باز کردم دیدم نام سازمان برنامه است که نوشته اند خواهشمند است برای مذاکره درباره آسایشگاه مسولین ما نگران در کلند رود در ساعت دوازده و سی دقیقه چه روزی ؟ روز شنبه ۲۴ فروردین جاری به سمت بهداشت سازمان برنامه تشریف بیاورید این نامه امروز بنده رسیده در صورتی که مال دیروز بوده خوب جناب سازمان برنامه شما که اینهمه تشکیلات وسیع دارید اینهمه اتومبیل دارید اگر با من نمایند منازندران کاری دارید شما که میدانید من یک اداره ای دارم بنام روزنامه دادیک خانه ای هم دارم اینجا نشسته ام خوب یکی از این موتور سیکلت سوار های تان را میفرستاید و این نامه را که تاریخش ۲۲ فروردین است بنده میرسانید و بنده می- دیدم چه فرمایشی دارید بنده می خواهم سیستم کار را بگویم طرز کار این است اما این کار چه چیز است برای چه من را می خواهند مگر من متخصص ساختمان مسولین هستم وقتی من بروم بگویم که چرا آسایشگاه مسولین را بنده میگویند شما چه آقا شما و کبیل مجلس هستید شما تخصص ندارید و مهندس فلان اینطور تشخص داده چهار تا اسم خارجی هم میگویند که مهندس مشاور داریم مرا خواسته اند که بگویند ما مشغول هستیم و وقتی که کاری انجام نشد بگویم چرا شد چهار سال پیش قانونی از مجلس پیشنهاد بنده گذشته که دولت مکلف است در ظرف ۶ ماه آسایشگاه در استانها بسازد این قانون بود بعد هم برای ما نگران رفتند و مطالعه کردند در یک نقطه ای بنام کلند رود گفتند این جا می خواهم آسایشگاه بسازیم و بنده خردم دنبال اینکار بودم بعد هم گفته که مالکیت این نقطه متعلق با ملک پهلوی است اعلیحضرت هدایونی که همیشه در این مسائل پیشقدم و حامی و پشتیبان هستند فوری فرمودند سه دانگ از آن اراضی کلند رود که بایستی در آنجا این آسایشگاه ساخته بشود به وزارت بهداری داده شد و تقریباً در سه سال پیش وزارت بهداری بن مراجعه کرد که آن سه دانگ دیگر خورده الکت است مال دیوسالار و دیگران است بنده هم رفتم فشار آوردم این بیچاره ها هم رفتند در دفتر استاندار سی نوشهر امضا کردند و سند مالکیت را دادند سه سال است این کار زمینش داده شده اعتبارش هم ده میلیون ریال بود پادم میآید که آقای دکتر جهان شاه صالح گفته بودند که ما اعتبار را تا مین کردیم سه سال است این آسایشگاه که ساخته نمیشود که هیچ اینکار را نرسدند حتی کلنگش را هم زمین نزد بنده از مدتی

گور کورانه بمن دارد البته میخواست بگوید اطاعت کورکورانه ولی یادش رفت و گفت اعتمادان در صورت جلسه همت بدمم آن جناب نخست وزیر بلند شد از ایشان تشکر کرد شما منتظر هستید بایک چنین دستگامی همان کارهای مطالعه شده مورد قبول سریع که هیچ کسندم اجرا بشود؟ بنده که امروز معتقد هستم وعقیده دارم و تقاضای کنم که همین برنامه های مطالعه شده را که اجرای سریش را جناب آقای نخست وزیر وعده داده اند همین کار را ببینید چقدر مشکل است ومن این قدرت را شاید در ایشان ببینم که بتوانند وضعی را بوجود بیاورند که این سازمان برنامه این چنین جوری وضعش را تغییر بدهد و کار کند این کاغذ پراکنی ها و کمیسیون بازبها و این حرفها را بکنند ازید کنار پرونده های سازمان برنامه رادولتی که میگوید قرطاس بازی را بکنند ازید کنار دولتیکه میگوید ما در هیأت دولت با تلفن مسائل را بین خودمان حل میکنیم و اجرا میشود این هادیگر نباشد باین جهت است که من با این قسمت از فرمایش جناب آقای خلعتبری که معتقد بودند بایستی تجدیدنظری در این قسمت بشود جداً موافقم و خیال میکنم اگر دولت بخواهد موفق بشود چاره ای جز این ندارد حجم کارهایی که در نظر گرفته شده دیگر اصلاً مناسب نیست باید یکی از مهمترین مسائلی که در اجرای امور مثبت در کار باید در نظر گرفت متناسب بودن موضوع کار و قدرت عمل وهم آهنگی ومدام بودن کار است آقای مهندس شریف امامی وزیر کابینه هستند وزیر صنایع هستند مرد کارند و کار ساختمانی هم کرده اند آیا ممکن است که در یک کار ساختمانی کوچک شما یک مطالعه ای بکنید بعد ناظر فنی نداشته باشید یکدفعه غلنگ نیاید بعد سیتو آسیون سریع نشود همه اینها بدون هم آهنکی بشود چند سال طول میکشد کاری که باید در ۶ ماه انجام بشود کار ساختمانی یک کشوری دمسال طول می کشد چون ماحالا در حال کسنتروکسیون کشور هستیم این برنامه ای که الان دولت آورده دلیل بر این است که میخواهند این مثبت ساختمانی برای مملکت بکنند اینجا جایی نیست که بالین حرفها باین تشریفات برویم جلو، اینجا معذرت میخواهم اینجا هم آنچنان جایی نیست که ماها کوتاه بیائیم برای اینکه من معتقدم من که مدافع دولت هستم در مجلس رأی میدهم در روزنامه هم دفاع خواهم کردم در این دوره شکست د کتر اقبال را شکست مشروطیت خودمان در حال حاضر میدانم بدلیل اینکه در حال حاضر ما داریم از مشروطیت واقعی بمعنای خودش برخوردار میشویم ما کار بزرگی داریم میکنیم یعنی از یک طرف ساختمان سیاسی مملکت را می خواهیم بوجود بیاوریم از آزادی مطبوعات

حزب، فعالیت اجتماعی . این یک قسمت از آن طرف بموازات این تحولی را که در سیاست و اجتماع خودمان بوجود بیاوریم میخواهم کار ساختمانی مملکت را هم انجام بدهم دولت سابق دومیش را داشت اولیش را نداشت و راحت بود حکومت نظامی بوده فعالیت اجتماعی نبود، حکومت نظامی راهم برای میدادیم برای اینکه گردنمان نیندازد بگوید شما اگر دید معهدا در کار کسنتروکسیون آن جوری بود که ملاحظه فرمودید اما وظیفه دولت بسیار سنگین است، باور فرمائید بقدری سنگین است که من وقتی فکر میکنم وظیفه خود میدانم که همه ما که علاقه هم بشروطیت داریم چون یک فرصت هائی گاهی پیش می آید ممکن است این فرصت ها ازدست برود تا فرصت باقی است باید اوضاع سیاسی را بچربان عادی بیندازیم باز اوضاع و احوال اقتصادی بوجود آوردن قدرت های مالی این اقتضای پیش آورده که ما کار کنیم که مملکت را از فقر و فلاکت خارج کنیم کار داشته باشیم این اوضاع معلوم نیست همیشه همینطور باشد معلوم نیست که فردا حکومت نظامی باز وجود نیاید خدای نکرده آزادی احزاب را بگوئیم برود بی کارش مثل این است که من عقیده ام این است که بایستی این وظیفه سنگینی که دولت حاضر با این برنامه و این موقعیت پیش آورده صمیمانه کمک کنیم تا موفقیت حاصل شود و الا این شکست بر ضرر ما است بر ضرر مشروطیت است بر ضرر کار ساختمانی کشور است، حالا که توجه شد باین موضوع اهمیت وظیفه ای که دولت حاضر بکار دارد بنده میخواهم با زبان کار با دولت صحبت کنم در کار همیشه می آید یک سیتو آسیون می کنند، یک صورت مجلس میکنند میگویند این وضع موجود چیست این وضع موجود را چه جزو باید درست کرد بنده میخواهم یک تشریحی از وضع موجود کشور در حضور جناب آقای د کتر اقبال راجع بوضع مملکت بکنم که ببینیم ما چه اشکالاتی داریم و چطور جناب آقای د کتر اقبال باید باین اشکالات توجه بکنند مشکل بزرگ مملکت در حال حاضر مشکل اقتصادی است در مشکل اقتصادی آن چیزی که بیش از همه بر مردم ربط دارد و تماس دارد گرانی زندگی است (صحیح است) این مطلب گرانی زندگی از او درست که دولت فعلی باید خیلی به آن توجه کند، در دولت سابق دوشرکت درست شد بزرگ شرکت گوشت یک شرکت اتوبوس رانی، معنی این دو تا چیست یعنی من که دولت هستم، من که شهرداری هستم چون شهرداری ما که الان ملی نیست، الان دولتی است، دخالت دولت ها همیشه در امور مردم برای حمایت مردم است برای این است که از افراط و تفریط در اجتماع جلوگیری بشود اما مابعکس دیدیم می بینیم که در حال حاضر که جناب آقای

د کتر این کشور را دارند تحویل می گیرند یک شرکت گوشت یک شرکت اتوبوس رانی هم درست شد گوشت رفت بالا، یک شرکت واحد اتوبوس رانی هم درست شد درش دخالت دولت بود آن هم رفت بالا این نمونه است این نشان میدهد که دولت چه جوری کار کرده است و دولت فعلی با چه مشکلی روبرو است و چه بایستی در این کار بکنند بنده راجع بموضوع اتوبوس جناب آقای د کتر اقبال این جناب آقای خلعتبری در کمیسیون عرایض بودند، ما در کمیسیون عرایض پیرونده این کار را خواستیم مطالعه کردیم با شخص رئیس شهر بانی راجع بغضوط : راجع به همین قیمت ! آنجا ثابت شد که آنروز، در دوره ۱۸ ایشان معتقد بودند که دو قران بشود ثابت شد که لازم نیست ایشان قانع شدند این مطلب رفت الان همین اتوبوس رانی در تهران آقایان دو نرخ دارد، آیا شنیده اید یک بام، دو هوا؟ یک شهر و دو نرخ؟ این همین است، آن اتوبوس هائی که جزء شرکت واحدند دو قران میگیرند و این اتوبوس هائی که برای خودشان کار میکنند یک قران، خدا شاهد است یکی از هیئتها، از صاحبان شرکتهای شخصی از دوستان من آمد جلو من و برای من تشریح کرد و گفت یک قران نرخ اتوبوس من هست تمام اقساط را داده ام اینقدر هم منفعت دارم دفاتر ش هم هست میخواهد نشان بدهم، بنده میدانم وقتی که در مملکت ما می بینیم در امری که دولت دخالت نکرد یک قران است، آنکه دولت دخالت کرد خرج حقوق میشود، اینطرف و آنطرف خرج میشود، این همان امریست که جناب آقای د کتر اقبال تمام مردم منتظرند بانا کتیکتی که شما دارید با دقتی که شما دارید جلوی این کار گرفته شود، این یک چیزی است که تمام مردم با آن مواجهند این راز دولت میخواهند و این آن قسمت اول سیتو آسیون وضع حاضر است که دولت دارد تحویل میگیرد، مسئله گوشت و اتوبوس باین کیفیت است و این توقعی است که ملت دارد و پشتیبان دولت است مطلب دوم جناب آقای د کتر اقبال که در وضع حاضر با آن روبرو هستیم موضوع آزادی بی حد و حصر وارداتی است که مثل سیل توی این مملکت می آید الان در چنین وضعی هستیم و شاید تبسار محترم وزیر فعلی کم کات هم با این حرف مخالف باشند برای اینکه ایشان از خدا میخواهند که اینقدر آزاد باشد آنقدر جنس بیاید تا میزان حق گمر کیشان بالا برود بگویند این عایدات من است و حقاً هم در نتیجه مراقبت ایشان عوائد گمر کات خیلی رفت بالا اما بنده میخواهم بیرسم اگر عوائد گمر کات با افزایش واردات بی حد و حصر رفت بالا در مقابلش ضرر هائی داشت که بر مردم رسیدن این دو تا را که با هم مقایسه بکنیم دولتی که می آید

نگهش داشتند تا شب عید که کسی متنش را ندانند بدهم گفتند ایام عید می آید و کسی درست متوجه نمی شود و این ضربه دیگری بود که بیار بشه جای ایران زده شد و من در ایام عید که در شمال بودم تمام مردم می آمدند گریه می کردند که ما باید اینها را بریزیم دور، دولت بیاید اینها را از ما بخرد اولاً ما پول بدهد که ما برویم زندگی کنیم این طرز حمایت از محصول داخلی است، بنده پارسال آنجا بودم دیدم گریه میکردند که عوائد بنده شان نصف شده نسبت بسال پیش چرا؟ یک ربعش بابت تنزل از شهر ستانها هر روز نامه دارند از مردم که تقاضا میکنند برای ما کار پیدا کنید (صحیح است) بنده خودم اینقدر نامه دارم که خجالت میکشم جواب بدهم این برای چیست برای این است که این کشور تولیدی که دولت محصولات کشاورزی را میخرد و مواد خام درست می کند، کشوری که اگر زیاد بود میسوزاند این درست است؟ من تعجب کردم سطح فکر و معلومات و اطلاعات کشاورزی دهائی ما که هیچ چیز ندارد اینقدر بالا رفته، میدانند که دولت باید از کشاورزی حمایت کند، این سؤال را میکند آنوقت دولت در سال گذشته حمایت نکرد قیمت بنه رفت باین از دفع آنت هم حمایت نکرد یک ربع آمد باین نصف شد در مازندران و ساری و نوشهر هم میدانند آقای فضائی هم البته سابقه دارند این هم یکی، راجع به برنج ما داریم سد سفید رود را میسازیم چرا سد سفید رود را میسازیم؟ برای اینکه سطح آب برود بالا کشت زیاد بشود غیر از این که نیست اما اگر قرار بشود برنج زیاد عمل نیاید در شمال برنج چمیا که خود کت داخلی پس وضع دومی که بنده میخواهم در این سیتو آسیون بحضور جناب آقای نخست وزیر عرض کرده باشم این موضوع است و این موضوع باید مورد توجه کامل قرار بگیرد و جلوی اینکار گرفته بشود بنده که الان خدمتتان هستم در روز صبح از راسر جناب آقای نخست وزیر بمن تلفن کردند هزارها باغداران جای الان در تلکرافخانه متعصبند این برای چیست قطعاً کار آسافرت فرموده اند بشمال از حدود شهسوار تارشت هر جا که تشریف ببرید اینکوهستانها که پر از جنگل های مغزوبه بود تمام اینها باغ تاشده است، این باغات بادست مردم با فروش هستی شان بوجود آمده برای اینکه باغ چای تهیه کنند تا از ورود چای خارجی بی نیاز شویم تا موقعی که این حمایت بشود بوجود آمده که خود جناب آقای نخست وزیر مطالعه فرمائید خدا شاهد است سه سال حمایت شد ۸۰ کارخانه چای خشک کنی در شمال تأسیس شد و سطح چای بالا رفت و بعضی اینکه در این حساب را نکردند که این گریه را وقتی اضافه کردند دیگر سنگ صادر نمی شود نتیجه اش این شد که صادرات معادن ایران در حال حاضر باین ترازیبش است، بطور کلی بنده آنچه مطالعه کردم حس

میکنم که بنیه اقتصادی مملکت از نظر افزایش واردات و تقبیل صادرات در وضعی است که باید مورد توجه زیاد واقع بشود، باین نکات یک نکته ای اضافه میشود که سوء استفاده سوداگران نیاز مند های مردم است، جناب عالی یک مطالعه ای فرمائید ببینید این یک بار سیب زمینی که رعیت و رزمین می آورد توی میدان می فروشند بعد از میدان می آید توی خیابان استامبول و لاله زار بندو آقایان میخیریم یک حساب قیمت بکنید ببینید کیلومتری چند از میدان میخرند و کیلومتری چند در خیابان میفروشند خواهید دید که دو برابر بلکه سه برابر قیمتی که از تولید کننده خواربار و تره بار و اینها میخرند میفروشند نتیجه این می شود که اولاً بصرف کننده قیمت زیاد تحمیل می شود و یکی اینکه قیمت واقعی بتولید کننده داده نمیشود و چیزی برای آن بیچاره نیمه اند این وسط کمی استفاده میکند آن طبقه سوداگر و دلالی که واسطه است بین تولید کننده و معامله گر، این امر امریست که تصور می کنم روی عدم انجام و عدم نفوذی که در وضع دولت سابق بود اینکار انجام نشد حتی ضمن سؤالاتی که در این مسائل از دولت در اینجا شده و بر بازگانی وقت آمد اینجا گفت آقا تشبیه قیمت ها یعنی چه اینقدر باید آزاد باشد که عرضه و تقاضا خودش جور بیاید این تئوری بدرد این مملکت نمی خورد، دولت باید یک کنترل صحیح در قیمتها بکند، این اتوبیلی که می آورند می فروشند در مملکت اینها کامیون هائی که وسیله حمل و نقل است این اسباب بد کی ولاستیک، اینها یکی از کنترل خارج است، نتیجه این است که گریه قیمتش بالا است، گریه که قیمتش بالا بود جنس قیمتش می رود بالا گران می سرسام آور مردم را اذیت میکنند بنده معتقدم باین نکته دولت فعلی جناب آقای تجدد همکار عزیزم که خوشبختانه با قدرت اداره ای که دارند بست وزارت بازرگانی را بهمه گرفته اند باین امر باید توجه کنند، نه اینکه مثل سابق که معاون وزارت بازرگانی که در حال حاضر مشکل اقتصادی ما از نظر گرانی، از نظر آزادی واردات و از نظر عدم حمایت محصولات داخلی در یک چنین وضعی است نتیجه اینها تقبیل صادرات است، خشکیبار ایران صادراتش کم شده، معادن ایران که آقای مهندس شریف امامی خوب وارد هستند در نتیجه مقررات غلطی که سال گذشته راجع بگریه بوجود آمد مثلاً برای سلیزدگان یک تصویب نامه ای صادر شده که فلان مقدار بر نرخ گریه مربوط بسنگ معدن اضافه بشود این خون مردم در این راه ارتزاق میکنند پولهای مملکت ما را بصورت ارز بگارج میبرند اینها شدیداً باید جلوشان گرفته بشود دولتی که میخواهد شدیداً عمل بکند متکی بر مردم باشد اگر این کار را نکنند چه

میکنم؟ نکته دیگری که در وضع حاضر هست و بعقیده من دولت حاضر باید از آن خودداری کند همکاری خود دولت است با گرانفروشی، خود دولت با گرانفروشی همکاری کرده، بنده در این موضوع بحث کردم سؤال کردم دولت قیمت سیگار را بر دبالا، شکر را بر دبالا (پرفسور اعلام ناچار بود) ناچار نبود بنده تحقیق کردم در سفری که در شمال بودم در بعضی شهر ها تحقیق کردم که میزان دخانیاتی که شما در سال ۳۵ فروخته اید چقدر بود در سال ۳۴ چقدر بود؟ خدا شاهد است صورتی که بمن دادند دیدم که صدی ده یا نازده کمتر از سال قبل است این مسلم است که تا قیمت را بر دید بالا مصرف کم میشود، این اشتباه است قیمت را بر دبالا بتصور آنکه بتوانند باین قیمت یک اضافه در آمدی داشته باشند من معتقدم که دولت فعلی نیایستی راه تعادل بودجه بازار از زیاد عایدات راز گران - فروختن کالاها ای انحصاری مردم بوجود بیاورد این نکته ای بود که خواستم تذکر جلب بکنم، مطلب قابل توجه دیگر آثار ناشی است هیچ چیز بیش از همه تضایط و عدم رسیدگی به حقوق مردم در ادارات دولتی و سازمانها و دستگاهها اذیت نمیکند امروز باین دستگاهها که شما مراجعه میکنید مرجعی برای رفع اختلاف بین ارباب رجوع و رئیس اداره نیست، اگر بازار فساد و ارتشاه در این مملکت رونق دارد برای این است که چاره ای، طریقی برای حل امر خودشان جز این نمی بینند در مقابل دیگر مردم اختلاف نظر با دستگاه دولت پیدا میکنند، ولی مرجع دارند، یک شورای دولتی با اختلاف بین مردم با ادارات دولتی رسیدگی میکند، رأی میدهد رأیش قاطع است بنابراین مردم مرجع دارند بر رجوع مراجعه میکنند رسیدگی می شود اما اینجا بنده عادی یک کاری دارم با ادارای، این آقای رئیس اداره یک انگشتی وانگولکی می رساند کارم میماند بروم یکی بگویم؟ کارم هم مانده است چه بکنم؟ یک افرادی هم بعنوان دلال یا بعنوان این که دوستم هستند می بنام رئیس اداره یا اینکه واقعا یک چیزی برای اومیکیرند و کار می گذرد این سیستم را عوض کنید جناب آقای د کتر اقبال، بعقیده بنده اگر این سیستم اداری را چون یکی از مواد برنامه جناب عالی که من ایمان از این انتظار دارم، من معتقد هستم که باید شیده باشد کسانی که سوداگری میکنند از خون مردم در این راه ارتزاق میکنند پولهای مملکت ما را بصورت ارز بگارج میبرند اینها شدیداً باید جلوشان گرفته بشود دولتی که میخواهد شدیداً عمل بکند متکی بر مردم باشد اگر این کار را نکنند چه

نمیروند دنبال رشاه و ارتشاه، وقتی مرجع بود میدانند کارشان هم میگردد، بنده بیش از این نمیخواهم وقت دولت حاضر و نمایندگان محترم را بگیرم (احسنت) این تذکرانی که بر عرض رساندم تصور میکنم که کاملاً مورد توجه جناب آقای نخست وزیر واقع بشود و امیدوار هستم با سیستم و فکری که برای مقابله با فساد، نه آن فساد، فساد واقعی، یعنی عمل، یعنی مبارزه دارند و با قدمی که میخواهند بردارند که متکی با اجتماع و قدرت پارلمانی از حیث اکثریت و افکار عمومی باشد با قدرت عملی که در ایشان می بینم امیدوارم انتظار کامل دارم از خداوند تالی و اتمناً استدعا میکنم امیدوارم موفق بشوند و ما هم بسهم خودمان صمیمانه در پیشرفت این برنامه ای که بوجود آورده اند کوشا هستیم (نمایندگان - اشاه الله) رئیس - دیگر کسی اجازه صحبت نخواست است، آقای نخست وزیر اگر بیانی دارید فرمائید .

نخست وزیر - بنده قبلاً خواستم از حسن ظن و الطاف آقایان نمایندگان محترم صمیمانه تشکر کنم و مذاکرات و فرمایشاتی که آقایان موافقین و مخالفین فرمودند یک تذکرات بسیار مفیدی بود که دولت حاضر صمیمانه آنها را مورد توجه قرار خواهد داد و امیدوار هستم مطالبی که فرمودند همه بوقع اجرا گذاشته شود (ارسال خلعتبری - خلیه متشکریم) بنده نمیخواهم زیاد وقت آقایان را بگیرم برای اینکه موافقین و مخالفین مذاکره کردند بعد از مطالعه ای که بنده کردم دیدم حقیقه هم شان موافق هستند (صحیح است) از این جهت بنده سعی نخواهم کرد و این نظر را ندارم که بفرمایشات هریک از آقایان جواب مستقیم گفته بشود ولی بنده میخواهم اول خود دولت و وضع خودمان را تشریح کنم، حضور آقایان پیرونده مان را باز کنیم و ببینیم که چه کار میخواهیم بکنیم و بعد هم آقایان قضاوت فرمائید بندگسان اعلیحضرت همایون شاهنشاه باین خدمتگزار ۱۶ ساله خودشان است چه بکنم؟ یک افرادی هم بعنوان دلال یا بعنوان این که دوستم هستند می آیند واسطه میشوند یا کلاه بر میدارند بنام رئیس اداره یا اینکه واقعا یک چیزی برای اومیکیرند و کار می گذرد این سیستم را عوض کنید جناب آقای د کتر اقبال، بعقیده بنده اگر این سیستم اداری را چون یکی از مواد برنامه جناب عالی که من ایمان از این انتظار دارم، من معتقد هستم که باید شیده باشد کسانی که سوداگری میکنند از خون مردم در این راه ارتزاق میکنند پولهای مملکت ما را بصورت ارز بگارج میبرند اینها شدیداً باید جلوشان گرفته بشود دولتی که میخواهد شدیداً عمل بکند متکی بر مردم باشد اگر این کار را نکنند چه

امور را در دست بگیرم خود در چندین دولت بوده ام و شاید قبل از وزارت دربار بنده دوازده، سیزده مرتبه وزیر شده ام و در نتیجه تجربه ای که در دولت ها داشته ام مطالعه کرده ام چون اهل مطالعه هستم بنشینم چه چیزهایی باعث شده که دولتهائی توفیق حاصل نکرده اند، اولاً این را باید عرض کنم که هر دولتی هر قدر هم سوء نیت داشته باشد می خواهد خدمت کند از نظر حسن خودخواهی که در هر بشری هست و آن حسن خودخواهی وقتیکه به نفع عامه باشد باید باشد و خوب است ولی خوب يك علقه، يك اوضاع و احوالی مانع کار آنها شده، يگر از آن هملل بعقیده بنده این بوده است که مردم آهنگی در بین بعضی از دولتها وجود داشته است (صحیح است) بعضی اینکه دولت تشکیل نشده است در بین خود وزراء اختلاف حاصل شده است، بغوی بغاوت دارم که در یکی از دولتها که بنده افتخار عضو بش را داشتم دو، سه تا از وزراء را نمیشناختم اسمشان را میدانستم ولی نداندم، و دشمنان بعضی اینکه يك دولت تشکیل میشد از روز اول يك عدم هم آهنگی دیده میشد و از اینجهت کارهای دولت خیلی معذرت می خواهم، قدری دست بندی دوستی در کار و آهنگ آهنگی که باید در دولت وجود داشته باشد در بطور قطع میتوانم در حضور نماندگان محترم مجلس عرض کنم دولتی که بر حساب اعلیحضرت همایون بنده افتخار دراست آنرا دارم از افرادی تشکیل شده که صدر صدراعظم آهنگی دارند (احسن است) و بنده با این همکاران عزیز بودم این جلسه هیأت دولتی گفتم که آقایان هیچکدامتان از من تقاضای وزارت نکرده اند، اینجا در جلسه رسمی عرض میکنم پس از اینکه ای اجرای امر مطاع ملوکانه مأمور شده مطالعاتی کردم و وزراء را عرض رساندم و مورد تصویب ذات شاهانه قرار گرفت بعد از آن و شاید بعضی هاشان را ۲۴ ساعت بعد از معرفی با آن آقایان تماس گرفتم، به آقایان عرض کردم که روی پیشنهاد من تصویب شاهانه امروز مقام وزارت پیدا کرده اند و میخواهم با هم کار کنیم، اگر خدای نخواست می بینید که يك بار سنگینی است و نمیتواند بمنزل برسانید همانهمان رفیق هستیم، این دکتر راجی ۳۰ سال است که بنده با ایشان رفیق هستم، این آقای ناصر معلم بنده بوده اند آقای تجدد هم کلاس بنده بوده اند این جناب دکتر مهران هم معلم بنده بوده اند (خنده نمایندگان) این است که اغلب آقایان را بنده سالیان درازی است از ادات دارم خدمتشان یا با هم مدور بوده ایم یا معلم بنده بودم و خوب روی هم شاگردی بروی شاگرد معلمی يك روابطی هست که این روابط می چوشت فراموش نمیشود و بجای خودش محفوظ است باین آقایان عرض کردم که ما با هم دیگر رفیق و

دوستیم شما از من وزارت نخواستید من از شما خواستم، استدعا کردم عرض شاه رساندم تصویب فرمودند اگر خدای نکرده در حین عمل می بینید که از عهده این کاری که من میخواهم بر نمی آید مادونستانه از هم جدا می شویم و من خیال میکنم ناآنجائی که بنده اطلاع دارم در دولتها بوده ام این اولین دفعه ایست که رئیس يك دولتی بدون هیچ پروا برای پیشرفت کار این موضوع را به همکاران خودش اطلاع میدهم، از این جهت بنده صددرصد مطمئن هستم که این همکاری ما مادامیکه ذات شاهانه ما را برای خدمتگزاری لازم میدانند باین جا خواهد بود این هم آهنگی یکی از مسائل پیشرفت کار ما خواهد بود (صحیح است) بنده راجع بسوابق همکارانم نمیخواهم عرض بکنم ولی این را میدانم که این همکاران مرد در کار خودشان همه وارد هستند و بعد يك چیزی که برای بنده خیلی مهتر از این است که وارد کار باشند برای اینکه اگر آدم در يك کاری هم وارد نشاند بعد از مطالعه میتواند توفیق حاصل کند، یکی از اصول اساسی این است که این آقایان باید يك باشند و بنده اینجا تمهید میکنم و این همکاران من تا این ساعتی که من اینجا هستم شخصاً عمل بدی از آنها ندیده ام و امیدوارم که تضاد جامعه هم همینطور باشد (صحیح است) مادر تحت این شرایط همکاری صمیمانه با هم آهنگی دور هم دیگر گرد آمده ایم که متوبات ذات ملوکانه که غیر از خیر و صلاح ملک و ملت نیست انجام بدهیم (صحیح است) دولتی که بر سر کار آمده بازم در اجرای متوبات اعلیحضرت از بندو امر گفتم و حالا هم رسماً عرض آقایان میرسانم که ما اهل دعوا و ستیزه با هیچکس نیستیم ما اختلاف طبقاتی بهیچوجه نمیخواهیم درست کنیم (احسن است) و بهیچوجه من الوجوه نداریم و نخواهیم گذاشت تولید بشود، ما میخواهیم در يك محیط آرام، در يك محیط صمیمانه، در يك محیط همکاری این بارسنگین را بمنزل برسانیم (انشاء الله) نه بنده این ادعا را دارم و نه تصور میکنم هیچیک از همکارانم داشته باشند، ما ادعا نداریم که بتوانیم به تنهایی این بارسنگین را بمنزل برسانیم هیچ این چنین ادعائی نداریم ولی يك تمهیدی میکنم و انشاء الله همینطور هم هست که اگر تمام طبقات بما کمک کنند، همکاری بکنند ما هم در تحت توجهات و ارشادات اعلیحضرت همایون شاهنشاه مسلماً توفیق حاصل خواهیم کرد، بنده روز اولی که آدم بدولت، برادری گفتم با باجان شمیری نخواستید (احسن است) گفتم که با باجان شمار ندهید چون شمار در این مملکت متأسفانه از يك دسته خائن شروع شد (صحیح است) و ما نمیخواهیم از آنها تقلید بکنیم (احسن است) برادری گفتم که بهیچوجه من الوجوه

(انشاء الله) دومین موضوعی که هست آزادی مطبوعات است بر خلاف آن چیزی که سابقاً از پشت همین تریبون من تهمت زدند که من با مطبوعات مخالفم حالا که بقول معروف رش هیأت دولت خدمت همکارانم عرض کردم و قبحی دست بنده داده شد و ملاحظه میفرمائید اولین حرف بنده طرفداری از آزادی مطبوعات است ولی مطبوعات خوب مطبوعاتی که وظیفه وطن پرستی خودشان را انجام بدهند مصالح مملکت را در نظر بگیرند و بعد قلم را در دست بگیرند و روی کاغذ چیز بنویسند، بنده طرف دار آن مطبوعات هستم و با تمام قوا از آن پشتیبانی خواهم کرد و دستگاردولتی که من افتخار ریاست آن را دارم هیچ وقت باعث زحمت آنها نخواهد شد این را من در پشت این تریبون تمهید میکنم، سومین موضوع که آقایان ناطقین محترم در این جا صحبت کردند درام بخیر بود، البته مملکت مشروطه و رژیم مشروطیت بدون حزب نمیشود اگر مشروطه داریم باید احزاب باشند و باز هم این کار از افکار بلند شاه شاه ما هست که این احزاب را تشویق فرمودند و تشویق خواهند فرمود ولی بازم بنده اینجا تکرار میکنم احزابی که طبق قانون حق موجودند دارند بعضی ها بهیچوجه من الوجوه تصور نکنند که بقول خدا رحمتش کند هر حرم قوام السلطنه میکند هوا گرم شده حشرات الارض آمده اند بیرون تصور نکنند این حشرات الارض که خائنتان بشوئند رسیده و بنده افتخار دارم اولین کسی بودم در اواخر سال ۲۷ و اوایل سال ۲۸ که در پشت این تریبون حزب مغفوزده را منحل کردم و اعلام کردم (صحیح است) این روزها صحبت کردن راجع به حزب توده کار مشکلی نیست برای اینکه يك سر بازی آمد در اجرای اوامر شاه آنها را از بین برد ولی آن روزهایی که حزب توده در زیر پرده زیر زمین آنطور فعالیت داشت و متأسفانه بعد جادست انداخته بود مخالفت با حزب توده و در پشت تریبون مجلس شورای ملی رسماً صحبت کردن کار آسانی نبود، بنده این کار را کردم شاید جانم هم در خطر بود، برای این که اول باید مملکتی باشد تا من هم باشم اگر مملکتی نباشد بنده چه علاقه ای دارم، بنده علاقه دارم با ایران برای اینکه در اینجا بدینا آمده ام در اینجا نشوونما کرده ام در اینجا بمقامات رسیده ام مورد عنایت شاه هستم بزرگترین افتخار من است از این جهت علاقه مند هستم بمملکتی که از من دور است چه علاقه ای دارم بآن مملکت؟ همانطور که آن مملکت شاید علاقه ای بمملکت ما نداشته باشد، از این جهت ما آزادی با عرض میدهم، آزادی افراد محترم است و هیچ وجه من الوجوه همانطوری که آقای صیدی نوری فرمودند این دولت، دولت بیرونه ساز نیست (احسن است) ما شرافتیمان اینجا هم میخوریم حتی نسبت بمخالفین خودمان هم اسباب زحمت فراهم نمیکشیم، مخالفین ما

اگر يك خلافی کردند مدعیان هست قانون هست که ما کم است ما نمیکشیم که چون دولت هستیم باید زور بگیریم، در اولین جلسه هیأت دولت خدمت همکارانم عرض کردم توفیق ما در این است که بقانون احترام بگذاریم (احسن است) اگر يك قانونی عیب دارد بیآوریم در مجلسین با مشورت و تصویب آقایان عرض کنیم والا يك قانون ولو که بد باشد ما باید آن احترام بگذاریم میگویند ما از ادب را باید اول متولی احترام بگذاریم اگر احترام بگذاریم حرفان در رو نداریم در مردم نمیتوانیم که بنده بقانون احترام بگذاریم چرا برخلاف قانون رفتار کردید این است که دولت ماده ای خواهد بود که تمام مقررات را اولو این که بقدر دولت باشد انجام خواهد داد (احسن است) از این جهت ما هم با آزادی که وطن پرست هستند و افرادی که غیر از تعالی و سرانرازی ایران نظری ندارند صددرصد آزادی میدهم، این چند روز در روزنامه ها با در مجامع با دوستان اشخاصی که مرا میگویند صحبت میکنند که دولت می خواهد حزب تشکیل بدهد بنده این موضوع را رسماً و حدادت پشت این تریبون تکذیب میکنم (احسن است) مادولتی هستیم که بر حسب امر شاه آمده ایم خدمت میکنیم ما میخواهیم طوری خدمت کنیم که تمام اران حزب ما باشد همه مردم ایران حزب ما باشند همه ما را قبول کنند ما اگر خواسته باشیم وارد در دست بندی حزبی بشویم حکومت نمیتوانیم بکنیم از این جهت باید آقایان بدانند که دولت من بهیچوجه من الوجوه حزبی نمیخواهد تشکیل بدهد و اشخاص آزادند و دولت بواسطه گرفتاری های زیادی که دارد در دست بندی حزبی نخواهد شد راجع بکارهای دولت البته ما سیاست خارجی دولت سابق است که آنهم در تحت توجهات و ارشادات بنده گان اعلیحضرت همایونی اتخاذ شده و ما هم ترا تعقیب خواهیم کرد با تمام دلی که نسبت بما احترام بگذارند حقوق ما را حفظ کنند ما هم با آنها دوست هستیم و سرچنگ نداریم اما هر دولتی و هر خارجی که بمقدسات ما بافتخارات ما جسارت کند یا بخودش اجازه جسارت را بدهد یا در امور داخلی مداخلت بکند شدیداً مخالفت خواهیم کرد (احسن است) این دولت هر کسی که میخواهد باشد برای بنده مساوی است قبل از هر چیز ایرانی هستیم و بهیچ دولت خارجی اجازه دخالت در کار ایران را نخواهیم داد (نورالدین امامی - با پشتیبانی کامل ملت) این است که سیاست خارجی دولت ما کاملاً روشن است البته دوستانی که بما کمک کرده اند و پشتیبان ما هستند هیچ وقت فراموش نخواهیم کرد و ما هم که با ما دوست هستند و این دوستی مطرح کردیم و گفتیم که انشاء الله این امر

بود و تهاجلب نظر دوستی دولت و ملت ایران از راه دوستی و دوستی صدیق ممکن است و لا غیر ما از تهدید بهیچ دولت ولتی هراس نداریم، مرکب تر به و شیون بیکر تبه بهتر است آدم در راه خدمت بوطن سرفراز ببرد تا اینکه برده و بنده يك دولت خارجی باشد (احسن است) در سیاست داخلی ما بر نامه مان را گفتیم کار البته دوست عزیز من آقای دکتر بینا فرمودند که کار چه کاری؟ در چه مدتی؟ خیال میکنم آن کسی که میخواهد کار کند تا موقعی که توانائی جسمی و بدنی او اجازه میدهد تا موقعی که با او فرصت میدهند تا موقعی که با او اجازه میدهند وقتی که گفت می خواهد کار کند مزاحمتی برای او نیست، بنده تمام آقایان میدانند که غیر از کار اهل هیچ تقریبی نیست (امامی - صیب نواست) حالا عیب من هست یا نیست در هر صورت اهل تقریبی نیست و چیزی که بمنزاجم خیلی میسازد همان کار است روزهایی بوده که بنده کارم کم بوده اشخاصی که آمده اند مرا چه کرده اند گفته اند که چرا امروز کسی؟ چرا خسته ای؟ گفتم بعلم اینکه دیشب ۹ ساعت خوابیده ام حالا مزاج است امیدوار هستم که این وضعیت برای بنده همینطور ادامه داشته باشد تا بتوانم انجام وظیفه بکنم، همکاران بنده همه اهل البته انما بر نامه مان را کار گذاشتیم و لا غیر است بنده باز تکرار میکنم اینجا خدمت آقایان که ما تمهید بیک برنامه ای که تاس فردا تعویل بدهیم نمیکشیم و بنده نمیگویم که تمام جاده های ایران تا دهر زود دیگر اسفالت خواهد شد و راه آن از تهران بیزدو کرمان و اصفهان و شیراز و بلوچستان خواهد رسید اینها را بنده تمهید نمیکشیم که فوری فردا بتوانیم انجام بدهم ولی ما يك طوری رفتار خواهیم کرد که آقایان به بینند ما میخواهیم کار کنیم و خواهیم کرد، یکی از موارد برنامه ما اصلاح کارهای اداری است اس اساس اشکال و گرفتاری های دولت این دستگاه اداری ما است، این دستگاه اداری ما کارمند دارد و حقوق کافی باین کارمندان داده نمی شود زندگی شان ناراحت است و خدای نکرده اگر متعریف میشوند بعقیده من با این حقوق حق دارند بایستی اول شکم سیر باشد بعد از او کار خواست شکم گرسنه همانطور که میگویند ایمان ندارد، ما سعی خواهیم کرد که وضعیت مستخدمین را اصلاح کنیم (انشاء الله) و بطریق مختلف زندگی آنها را تأمین کنیم که با خیال راحت بتوانند انجام وظیفه کنند ولی ما از چنین مستخدمینی کار نخواهیم کشید و اصول انضباط که باز یکی از اصول مهم پیشرفت است در ادارات ما بجا باشد اجرا خواهد شد از این جهت يك مطالعاتی هم شده است، اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بما یکسال فرصت داده اند و در هیأت دولت مطرح کردیم و گفتیم که انشاء الله این امر

اعلیحضرت همایونی را در اسرع اوقات و ذر کوتاه ترین مدتی انجام بدهیم و این یکی از مهم ترین کارهای ما است، یکی از تصمیمات ما این است که تمام این اشکالات که بنده با آنها وارد هستم، تمام این کاغذ بازی ها تمام این جریاناتی که باعث این رنجش مردم میشود تمام اینها را حذف کنیم (احسن است) الان يك کاغذی که بيك ادارای میآید اول می رود بدفتر نیت می شود از آنجا می رود پیش رئیس دفتر بعد مدیر کل و معاون و بعد می رود بهلوی وزیر این کار بعقیده من غیر از اتلاف وقت و غیر از این که اسباب زحمت مردم را فراهم کند هیچ چیز دیگری نیست ما میخواهیم تمام این اشکالات و تمام موانعی که اسباب رنجش مردم است بر طرف کنیم و این کار را خواهیم کرد و ما علاقه کاملی داریم که کارهای ولایات پیشرفتش به مراتب بیشتر از تهران باشد، آقایان در تهران تشریف دارید تمام کارها در تهران متمرکز شده ما تمام این کارها را انشاء الله بولایات و گذار خواهیم کرد تصمیم قطعی می خواهد لایحه اش را میآوریم بمجلس و اگر دولت میتواند خودش این کار را بکند با تصویب نامه میکنم اختیارات استانداران را در شهر ستانها زیاد میکنیم که بتوانند يك مقدار کار بکنند تمام استاندار ها البته خوب هستند و ما سعی خواهیم کرد که استانداران خوب انتخاب بشود و تمام کارها را خود آنها در شهر ستانها حل و عقد بکنند و هر چیز جزئی را نیابند از تهران بخواهند دولت دنبال ما است ما دنبال کسی نیستیم، ما دولتی هستیم که بفرمان شاه آمده ایم حالا هم در مجلسین اگر مورد اعتماد واقع شدیم خدمت گزار هستیم و يك دولت قانونی هستیم، دولتی در دولت ما اجازه نمی دهیم (احسن است) ما مسئول هستیم و ما باید جواب بدهیم اگر خدای نکرده يك دستگاهی دیدید کارش را انجام ندهد مطمئن باشید که دولت در حدود وظایف قانونی خودش اقدام خواهد کرد و دولت در دولت وجود نخواهد داشت (احسن است) یکی از چیزهایی که مورد توجه دولت هست و آقایان هم تذکر دادند امنیت است، در اولین کمیسیون امنیت که روز دو شنبه تشکیل شد بنده به قوای انتظامی شهربانی زاندا مرمری تذکر دادم که این شایسته نیست برای يك دولتی که اینقدر وسایل در اختیارش هست که ما نتوانیم چهارتا دزد و راهزن را در این مملکت از بین ببریم و به آقایان بنده يك فرصتی داده ام تا يكاه دیگر اگر از این مدور بوده ایم یا معلم بنده بودم و خوب روی هم شاگردی بروی شاگرد معلمی يك روابطی هست که این روابط می چوشت فراموش نمیشود و بجای خودش محفوظ است باین آقایان عرض کردم که ما با هم دیگر رفیق و

میکند که انشاء الله تا هفته دیگر تمام بشود و باطلاع خواهیم رساند که تعداد دیگر به تهران نیابند اینها همه اش حذف خواهد شد تا مردم بتوانند مستقیماً خودشان انجام بدهند، اینجا صحبت اشباع و کس شد باید تشخیص داد که چه اشباه و کس هست ولی بنده بطور قطع به آقایان قول می دهم که این اشباه بنجل که باین مملکت وارد میشود دیگر باین مملکت اجازه ورود و تردد نمیدهم (احسن است) آقای عیدی نوری راجع بکار سازمان برنامه تذکرانی فرمودند بعقیده بنده سازمان برنامه در این مدت يك کارهایی انجام داده است از حق نیاید گذشت و شاید مطالعاتش و کارهایش بکفایتی بنظر آقایان طولانی آمده از همین جهت بود که مادر برنامه دولت گفتیم کارهایی که مطالعاتش تمام شده ما شروع میکنیم شاهد هم بازم - آهنگی بین دولت ها سازمان برنامه نبوده است و از این جهت يك ورودی پیدا شده است ولی همانطوری که انما مردم میخواهیم هم آهنگ باشیم و رفیق باشیم تا کارها را پیش ببریم با دوستی و صمیمیت با سازمان برنامه همین رویه را خواهیم داشت و بنده قول قطعی می دهم که آقایان خواهد دید و با اثراتش بشود میشود کارهای سازمان برنامه هم با تاسی که با دولت یا با دیگران دارد بهترین نوعی شروع خواهد شد، بنده بطور قطع می گویم در همین کارهایی که ما داشته ایم حسن نیت زیادی از طرف آقای اینها سازمان برنامه نسبت بدولت نشان داده شده البته ما آن دولتی نیستیم که یا شوند بگویند دولت دنبال ما است ما دنبال کسی نیستیم، ما دولتی هستیم که بفرمان شاه آمده ایم حالا هم در مجلسین اگر مورد اعتماد واقع شدیم خدمت گزار هستیم و يك دولت قانونی هستیم، دولتی در دولت ما اجازه نمی دهیم (احسن است) ما مسئول هستیم و ما باید جواب بدهیم اگر خدای نکرده يك دستگاهی دیدید کارش را انجام ندهد مطمئن باشید که دولت در حدود وظایف قانونی خودش اقدام خواهد کرد و دولت در دولت وجود نخواهد داشت (احسن است) یکی از چیزهایی که مورد توجه دولت هست و آقایان هم تذکر دادند امنیت است، در اولین کمیسیون امنیت که روز دو شنبه تشکیل شد بنده به قوای انتظامی شهربانی زاندا مرمری تذکر دادم که این شایسته نیست برای يك دولتی که اینقدر وسایل در اختیارش هست که ما نتوانیم چهارتا دزد و راهزن را در این مملکت از بین ببریم و به آقایان بنده يك فرصتی داده ام تا يكاه دیگر اگر از این مدور بوده ایم یا معلم بنده بودم و خوب روی هم شاگردی بروی شاگرد معلمی يك روابطی هست که این روابط می چوشت فراموش نمیشود و بجای خودش محفوظ است باین آقایان عرض کردم که ما با هم دیگر رفیق و

